

Explain the Framework of Rationality Based on the Islamic Teachings and Its Contributions to Public Administration

Ehsan Rahimi * Hassan Zarei Matin** Abdollah Tavakoli*** Hamid Reza Yazdani****

Abstract

Political systems that have exercised their sovereignty with a tool called the government have adopted an approach and strategy in managing the public affairs of their country that is based on a theory of rationality. The main issue of this research is to find the approach of Islam (verses of the Holy Quran and the narrations of the Infallibles) to rationality and its contributions to government management. This research is of qualitative type and its strategy is Thematic analysis, during which by referring to reliable sources and searching for the word intellect and its derivatives and synonyms, selected verses and narrations were analyzed using King and Horex model until the final network of themes was formed. Which consisted of three main dimensions for rationality, including the contexts, consequences, and areas of rationality (including the three areas of Thoughts, Attitudes and Insights - Tendencies, Motivations and ethos - Actions and Behaviors). In the field of thought, the themes concerning the necessary and minimum conditions of rationality were called "Distinction-oriented" and the themes concerning the ideal and ideal conditions of rationality were called "monotheism". Also in the field of attributes, the themes related to the necessary and minimum conditions were called "moderation- oriented " and the themes related to the ideal and ideal conditions of rationality were called "sublimationism". In the field of actions, the themes related to the necessary and minimum conditions were called "justice-oriented" and the themes related to the ideal and ideal conditions of rationality were called "altruism". Finally, by analyzing the resulting network of topics, the contribution of Islamic rationality grants for government management in the mentioned dimensions was presented

Keywords: *Islamic rationality, Public management, Public administration, Islamic Management.*

* Ph.D. Candidate, Department of Government Management Trends Decision Making and Public Policy, Tehran Farabi University, Qom, Iran.

** Full Professor, Faculty of Management and Accounting, Tehran Farabi University.

*** Associate Professor, University Research Center, Qom.

**** Assistant Professor, Faculty of Management and Accounting, Tehran Farabi University

تبیین چارچوب عقلانیت بر اساس آموزه‌های اسلامی و سهم‌یاری‌های آن برای مدیریت دولتی

حسن زارعی متین**

حمیدرضا یزدانی***

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۱/۱۳

احسان رحیمی*

عبدالله توکلی***

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۲۶

چکیده

نظام‌های سیاسی که حاکمیت خود را با ابزاری به نام دولت اعمال کرده‌اند، در اداره امور عمومی مملکت خویش رویکرد و راهبردی را در پیش گرفته‌اند که مبتنی بر نظریه‌ای راجع به عقلانیت بوده است. مسئله اصلی این پژوهش، یافتن رویکرد اسلام (آیات قرآن کریم و روایات معصومان (ع)) به عقلانیت و سهم‌یاری‌های آن برای مدیریت دولتی اسلامی است. این پژوهش از نوع کیفی بوده و راهبرد آن تحلیل مضمون است که طی آن با رجوع به منابع معتبر و جستجوی واژه عقل و مشتقات و مترادفات آن، آیات و روایات منتخب با استفاده از الگوی کینگ و هورکس تحلیل مضمون گردید تا اینکه شبکه نهایی مضامین شکل گرفت. بر این اساس، عقلانیت اسلامی دارای سه بُعد اصلی: زمینه‌ها، پیامدها و ساحت‌های عقلانیت شامل سه ساحت «اندیشه‌ها، بینش‌ها و نگرش‌ها»، «گرایش‌ها و انگیزه‌ها و منش‌ها» و «اعمال و رفتارها» بود. در ساحت اندیشه، مضامین ناظر به شرایط لازم و حداقلی عقلانیت، عنوان «تمییزمحوری» و مضامین ناظر به شرایط آرمانی عقلانیت، عنوان «توحیدگرایی» گرفتند. همچنین در ساحت صفات، مضامین ناظر به شرایط لازم و حداقلی، عنوان «اعتدال‌محوری» و مضامین ناظر به شرایط آرمانی عقلانیت، عنوان «تعالی‌گرایی» گرفتند. در ساحت اعمال نیز مضامین ناظر به شرایط لازم و حداقلی، عنوان «عدالت‌محوری» و مضامین ناظر به شرایط آرمانی عقلانیت، عنوان «احسان‌گرایی» گرفتند. در نهایت با تحلیل شبکه مضامین حاصله، سهم‌یاری‌های عقلانیت اسلامی برای مدیریت دولتی در ابعاد مذکور ارائه گردید.

کلیدواژه‌ها: عقلانیت اسلامی، مدیریت دولتی، اداره عمومی، مدیریت اسلامی، عقلانیت در مدیریت.

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گرایش تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران
Erahimikh@gmail.com

** استاد، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، ایران
Matin@ut.ac.ir

*** دانشیار، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران
Ab.tavakkoli@gmail.com

**** استادیار، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، ایران
Hryazdani@ut.ac.ir

مقدمه

اداره امور عمومی^۱ به عنوان حوزه عمل (اداره برنامه‌های عمومی در راستای تحقق ارزش‌های عمومی) قدمتی به درازای حکومت و دولت دارد. سیر تطور تاریخ نشان می‌دهد که حکام و پادشاهان برای اعمال اراده خود، نوعی دستگاه اداری طراحی می‌کردند و افرادی را به عنوان مدیر و خادم عمومی در آن دستگاه به کار می‌گرفتند (فرازند، ۱۳۹۰: ۱۸۱-۱۳۹).

بنا به اهمیت این بخش از نظام سیاسی، عرصه‌ای مطالعاتی در این حوزه شکل گرفت که با عنوان «علم اداره امور عمومی» یا «مطالعه اداره امور عمومی» شهرت دارد. حاصل چند دهه عمر متخصصان و دانشمندان حوزه اداره امور عمومی دنیا، شکل‌گیری هفت نهضت مدیریتی بوده است که هر کدام در برهه‌ای مطرح و همچنان مورد توجه هستند. هر کدام از این نهضت‌ها نوعی مبانی اندیشه‌ای دارند، به اصولی پایبندند و از فنون و شیوه‌های خاصی بهره می‌گیرند و مدیریت دولتی را مفهوم‌پردازی می‌کنند. این نهضت‌ها که عبارت‌اند از: مدیریت اداری^۲، اداره امور عمومی جدید^۳، مدیریت دولتی جدید^۴، خدمات عمومی جدید^۵، مدیریت ارزش عمومی^۶، نهضت تلفیقی مدیریت دولتی و اداره امور عمومی اسلامی؛ که این هفت نهضت با اتکا به سه دوگان اصلی شامل دوگان «سیاست/اداره»، «عمومی/خصوصی» و «حکومت/جامعه»، فضای مدیریتی خود را مشخص کرده‌اند که در پرتو این دو گانه‌ها، ارزش‌های اساسی، نوع عقلانیت، نوع رویکرد مدیریتی، نوع دولت، نوع راهبرد و نوع نگاه خود به مردم را شکل داده‌اند (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵ الف: ۳-۲).

از سویی هر کدام از نظام‌های سیاسی که حاکمیت خود را در قالب محملی به نام دولت اعمال کرده‌اند، در اداره امور عمومی مملکت خویش رویکرد و راهبردی را در پیش گرفته که مبتنی بر نظریه‌ای راجع به عقلانیت^۷ بوده است (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵ ب: ۳۳-۳۵). لذا می‌توان گفت اعتماد جامعه به نظام سیاسی در گرو میزان عقلانیت نظام اداری آن حکومت است.

1. Public Administration
2. Administrative Management
3. New Public Administration
4. New Public Management
5. New Public Service
6. Public Value Management
7. Rationality

موضوع عقلانیت در مدیریت دولتی موضوعی فرارزشی^۱ است (تنبزل^۲، ۲۰۰۲: ۳۰۱). بدین معنی که در مورد اهمیت و مطلوبیت آن بحثی وجود ندارد؛ مطرح کردن موضوعاتی چون «تصمیم‌گیری عقلایی» توسط هربرت سایمون^۳ (۱۹۵۷)، «سازمان عقلایی» توسط وبر^۴ (۱۹۶۸)، «بازیگر عقلایی» توسط آستروم^۵ (۱۹۷۱)، «کنش عقلایی»^۶ توسط والدو^۷ (۱۹۵۵)، و واژه‌هایی مشابه آن دلیل بر این گفتار است. مفهوم عقلانیت آن‌چنان موردپسند اندیشمندان و تحلیلگران قرار گرفته است که حتی آن را با مقدسات متداول مسیحیت توصیف می‌کنند (راتنگارز^۸، ۱۹۹۹: ۱۷؛ ریان^۹، ۱۹۹۹: ۳۶). پژوهشگران دیگری نیز بر اهمیت این مفهوم در مدیریت دولت تأکید کرده‌اند (تنبزل، ۲۰۰۲: ۳؛ شرورز^{۱۰}، ۲۰۰۲)؛ اما با توجه به این که منظور هریک از پژوهشگران از این واژه و تفسیر آن‌ها از این مفهوم بسیار متفاوت است (فاکس^{۱۱}، ۲۰۰۲: ۳۴۷؛ ونتریس^{۱۲}، ۲۰۰۲: ۲۸۷؛ اولمز^{۱۳} و دیگران، ۲۰۰۴: ۶۸) می‌توان چنین برداشت نمود که همان‌قدر که مفهوم «عقلانیت» دارای اهمیت است، پرابهام نیز می‌باشد (دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۳).

وبر (۱۹۴۷) تفسیر دوگانه‌ای از عقلانیت ارائه می‌دهد و آن‌ها را دو سیاق از رفتار انسان می‌داند که یکی ناظر به وسیله-هدف (عقلانیت ابزاری^{۱۴}) و دیگری ناظر به ارزش (عقلانیت ارزشی^{۱۵}) است. عقلانیت ابزاری را انتظارات از هستارها (چیزهای بیرونی) و رفتارهای سایر افراد می‌داند که از چنین انتظاراتی به‌عنوان شرایط و ابزار برای تحقق نتایجی که فرد در راستای رسیدن به آن‌ها می‌کوشد بهره‌برداری می‌شود. عقلانیت ارزشی نیز به معنای باور آگاهانه به برخی ارزش‌های درونی غیرمشروط است و بر نفس رفتار صرف نظر از اینکه موفق است یا خیر تأکید می‌کند.

1. Meta-value
2. Tenbensenl
3. Simon
4. Weber
5. Ostrom
6. rational action
7. Waldo
8. Rutgers
9. Ryan
10. Schreurs
11. Fox
12. Ventris
13. Olmez
14. Instrumental Rationality
15. Value Rationality

عقلانیت ابزاری و ارزشی، دو رویکرد اصلی در اداره عمومی هستند. اداره امور عمومی با محوریت عقلانیت ابزاری بر اولویت کارایی تأکید می‌کند؛ پایبند به پیش فرض منفعت طلبی انسان است؛ فنون پژوهشی تجربی را ترجیح می‌دهد و از نقش فنی مدیران و اداره امور عمومی به مثابه یک علم حمایت می‌کند؛ اما اداره امور عمومی با محوریت عقلانیت ارزشی به پیش فرض نوع دوستی انسان پایبند است؛ بر پرورش روح خیرخواهی عمومی تأکید دارد؛ علاقمند به روش-های پژوهش هنجاری است و بر نقش سیاسی مدیران و اداره امور عمومی به مثابه فلسفه اداری تأکید می‌نماید. تفاوت‌های بین این دو رویکرد است که در تغییر و تحولات رشته اداره عمومی نمود یافته است. از این رو بررسی سیر تطور مکاتب مدیریت دولتی از منظر عقلانیت، حاکی از نوسان مکاتب میان دو رویکرد ابزاری و ارزشی به عقلانیت است (دانگ^۱، ۱۳۹۷: ۶۶-۴۷).

زمانی که ویلسون^۲ (۱۸۸۷) مقاله «مطالعه اداره» را منتشر نمود تا سال ۱۹۶۸ نظریه اداره امور عمومی سنتی در میان نظریه‌های اداره عمومی جایگاه برجسته‌ای پیدا نمود این مکتب که اصول آن متناسب با آرای نظریه پردازانی همچون وبر (۱۹۴۷) و تیلور^۳ (۱۹۱۱) بود، بر محور ارزش کارایی دستگاه اداری خود را پایه‌ریزی نمود؛ رویکرد مدیریتی (به معنای علمی خود) بود و نظام بوروکراسی را بهترین ساختار برای دولت می‌دانست و به مردم نیز به مثابه ارباب رجوع می‌نگریست و دارای بارزترین جهت‌گیری نسبت به عقلانیت ابزاری بود (دانگ، ۱۳۹۷: ۱۵۴-۱۰۱). در سال ۱۹۶۸ یعنی مصادف با برگزاری کنفرانس مینوبوروک^۴ اول و انتشار مجموعه مقالات آن توسط مارینی^۵ نهضت اداره امور عمومی جدید پدیدار شد که حامی عدالت اجتماعی، انتخاب شهروندی، مسئولیت اداری، و مشارکت شهروندان بود و برخلاف نهضت اداره امور عمومی سنتی، سیاست را درهم‌تنیده با اداره می‌دانست (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵: ۹۲-۱۳) که حاکی از تمرکز آن بر عقلانیت ارزشی بود (دانگ، ۱۳۹۷: ۲۷۴-۲۳۵).

نظریه مدیریت دولتی جدید توسط هود^۶ (۱۹۹۱) مطرح شد و بر خرده‌مایه‌هایی همچون نظریه انتخاب عمومی و نظریه اصیل- وکیل به اصولی نظیر خصوصی‌سازی، کوچک‌سازی، برون‌سپاری

1. Dong
2. Wilson
3. Taylor
4. Minnowbrook
5. Marini
6. Hood

و قراردادی کردن رابطه استخدامی کارکنان با سازمان و کارآفرینی معتقد بود که گرایش آن را به سمت عقلانیت ابزاری نشان می‌داد (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵: ۱۲۹-۹۴؛ دانگ، ۱۳۹۷: ۲۰۸-۱۵۵). از اوایل قرن بیست و یکم با مطرح شدن نظریه‌ی خدمات عمومی جدید توسط دنهارت^۱ (۲۰۰۰) با اتکا بر مفاهیمی همچون شهروندی دموکراتیک، اجتماع و جامعه مدنی، انسان‌گرایی سازمانی و اداره عمومی پست‌مدرن مطرح شد که شهروندی را مقدم بر کارآفرینی و مردم را مقدم بر بهره‌وری و وظیفه دولت را خدمت کردن به جای حکمرانی می‌دانست (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵: ۲۲۰-۱۷۰) که حاکی از توجه این نهضت به عقلانیت ارزشی است (دانگ، ۱۳۹۷: ۳۲۵-۳۰۴).

در سال‌های اخیر نهضت مدیریت ارزش عمومی جای خود را در میان اندیشمندان و نظریه پردازان مدیریتی باز کرده است که مدعی است هدف مدیریت دولتی خلق و تحقق ارزش‌های عمومی است (مور^۲، ۱۹۹۵). بورگان^۳ (۲۰۱۱) نیز تلاش کرد مدلی تلفیقی از نهضت‌های پیشین ارائه دهد (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵: ۳۸۱-۳۴۳). بررسی اصول و ارزش‌های این نهضت و نهضت مدیریت ارزش عمومی حاکی از تلاش صاحب‌نظران برای ادغام و ترکیب متوازن عقلانیت ابزاری و ارزشی است (دانگ، ۱۳۹۷: ۲۳۴-۲۰۹).

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بیان مسئله

چنانکه گذشت، هر نظام سیاسی بر اساس فلسفه سیاسی، دکتین و خط‌مشی‌های عمومی خود، نظام اداری خود را متناسب با آن ساماندهی نموده است. هر مکتب و رویکرد در مدیریت دولتی نیز مسبوق به یک تعبیر از عقلانیت هستند که به نوعی دلالت‌های جهان‌بینانه آن نظریه و رویکرد را در عرصه‌های عملی نشان می‌دهد و ارزش‌های متناسب با خود را تجویز می‌نماید. به طور مثال رویکرد عقلانیت ابزاری با نوعی جهان‌بینی مادی و خالی از هرگونه مفهوم ارزشی، منطبق «هدف وسیله» یا استخدام بهترین ابزار برای رسیدن به هدف را تجویز می‌نماید. در مقابل، عقلانیت ارزشی، که در جهان‌بینی خود به ارزش‌ها توجه داشته و جایگاه ویژه‌ای برای آن قائل است بر روی ارزش‌گذاری هدف - به‌جای وسیله - تمرکز می‌نماید.

اگرچه ممکن است برخی از نهضت‌ها دارای برخی مفاهیم و ارزش‌ها باشند که مشابه با

-
1. Denhardt and Denhardt
 2. Moore
 3. Bourgan

آموزه‌های اسلامی به نظر برسند، اما هیچ کدام از آن‌ها به طور کامل متناسب با رویکرد اسلامی نبوده و خردمایه‌های خود را از جمله رویکردشان نسبت به «عقلانیت» از تعالیم اسلامی دریافت نکرده‌اند؛ بنابراین از منظر اسلامی، خلأ و کمبودی که در بررسی تطور تاریخی نهضت‌ها و مکاتب مدیریت دولتی است، ضعف بنیان‌های اندیشه‌ای و اصولی آن‌ها از جمله مفهوم عقلانیت است که به تبع، اقدامات دولت را نیز متأثر می‌نماید. از این رو مسئله اصلی این پژوهش، یافتن رویکرد اسلام (آیات و روایات معصومان علیهم السلام) به عقلانیت و سهم‌یاری‌های آن برای مدیریت دولتی است. دین مبین اسلام که بخش عمده آن برگرفته از آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام است با تأکید بر روی مفهوم عقل و عقل ورزی، تعبیری از این مفهوم ارائه می‌دهد که می‌توان از آن در مدیریت دولتی اسلامی بهره‌مند گردید. لذا شناخت این مفهوم از دل آیات و روایات و مشخص نمودن سهم‌یاری‌هایی که می‌تواند برای مدیریت دولتی داشته باشد مأموریت پژوهش حاضر را شکل می‌دهد؛ بنابراین سؤال اصلی این پژوهش آن است که: «عقلانیت اسلامی به ویژه عقلانیتی که کلام وحی و ائمه هدی علیهم السلام بر آن تأکید داشتند چه سهم یاری‌هایی برای مدیریت دولتی دارد؟» پاسخ به پرسش اصلی مستلزم پاسخ به دو پرسش فرعی است که عبارت‌اند از:

۱. عقلانیت از منظر آیات و روایات معصومان علیهم السلام چیست؟
۲. سهم یاری عقلانیت مذکور برای مدیریت دولتی چیست؟

پیشینه بحث

از آنجا که پژوهش حاضر، پژوهشی میان‌رشته‌ای است و از یک جنبه مرتبط با مدیریت دولتی و از جنبه‌ای دیگر مرتبط با عقلانیت و علوم اسلامی است، به دلیل حصول غنای پیشینه پژوهش، جستجو برای بررسی پیشینه بحث در دو مرحله انجام گرفت. در مرحله اول جستجوها ناظر به عنوان این پژوهش و با کلیدواژه‌هایی همچون «عقلانیت»، «اسلام»، «عقلانیت اسلامی»، «مدیریت دولتی» و «اداره عمومی» صورت گرفت که در این زمینه پژوهش‌هایی یافت شد که به بررسی عقلانیت در مدیریت دولتی و زیرشاخه‌های آن پرداخته بودند. در مرحله دوم جستجوهای انجام شده ناظر بر عقلانیت اسلامی در ادبیات سازمان و مدیریت یا عقلانیت در مدیریت اسلامی بود که با کلیدواژه‌هایی همچون «عقلانیت اسلامی»، «سازمان»، «مدیریت»، «مدیریت اسلامی»، «سازمان

اسلامی» انجام شد. یافته‌های این مرحله از جستجو حاکی از پژوهش‌هایی بود که عقلانیت را در نظریات اسلامی سازمان و مدیریت تبیین کرده بودند. نتایج جستجو در جدول ۱ نشان داده شده است:

جدول ۱. پژوهش‌های انجام گرفته با موضوع عقلانیت اسلامی در حوزه مدیریت دولتی

ردیف	عنوان	نویسنده	سال	قالب	روش	یافته‌ها
۱	بررسی نقش عقلانیت قرآنی در سلامت تصمیمات مدیران و ارائه یک الگوی مفهومی	حیدر تورانی	۱۳۸۷	مقاله	اسنادی	الگوی رشد فضیلت‌ها و کاهش رذیلت‌ها در حوزه مدیریت با رویکرد اسلامی با مؤلفه‌هایی همچون (آخرت‌گرایی، توجه به حیات و مرگ، منافع مادی و معنوی، خسارت‌های مادی و معنوی)
۲	مفهوم‌پردازی سازمان‌های ایمان‌محور و بررسی نقش آن‌ها در توسعه خدمات اجتماعی: تبیین نقش عقلانیت هنجاری	احسان رهبر	۱۳۹۱	مقاله		سازمان‌های ایمان‌محور تنها با غلبه عقلانیت هنجاری قابل توجه هستند درحالی‌که عقلانیت ابزاری به‌هیچ‌وجه ارائه خدمات اجتماعی را بدون در نظر داشتن سود توضیح نمی‌کند.
۳	جایگاه عقلانیت در مدیریت فرهنگی از نگاه اسلام	احمدرضا خزایی	۱۳۹۳	مقاله	ندارد	عوامل موفقیت مدیر فرهنگی که عبارت‌اند از: انگیزه مدیر، محتوای کار، ویژگی‌های مدیر، ابزارهای فرهنگی، شیوه کار فرهنگی
۴	دموکراسی و عقلانیت اسلامی	حمزه علی وحیدی منش	۱۳۹۴	مقاله	ندارد	ابتنای دموکراسی اسلامی بر جمع‌گرایی و دیگرخواهی و حاکمیت الله

ردیف	عنوان	نویسنده	سال	قالب	روش	یافته‌ها
۵	دلالت‌های عقلانیت قرآنی در خط‌نگاری عمومی	علی دهقان طرزجانی	۱۳۹۶	پایان‌نامه دکتری	دلالت- پژوهی	مفاهیم، زمینه‌ها، عوامل و ابعاد، ویژگی‌ها و مصادیق عقلانیت در سه ساحت بینش، گرایش و رفتار مطرح شده است.
۶	گزینش مدیران و کارکنان از منظر اسلام با رویکرد به مؤلفه عقلانیت الهی به‌عنوان کلان شاخص شایسته‌سالاری	ولی‌الله نقی پورفر؛ سید محمد موسوی مقدم	۱۳۹۵	مقاله	ندارد	تقسیم دوگانه عقلانیت به عقلانیت الهی و شیطانی. تقسیم عقلانیت الهی به دو بخش عقلانیت ارزشی و عقلانیت کاربردی. عقلانیت ارزشی مشتمل بر سه دسته عقل نظری، عقل گرایشی و عقل عملی. عقلانیت کاربردی نیز شامل سه محصول تخصص، تجربه و قدرت تدبیر
۷	بررسی کاربست روایات نقصان عقل در موضوع مدیریت زنان	علی آقا پیروز	۱۳۹۵	مقاله	ندارد	روایات حاکی از کاستی عقل زنان در کشمکش با عواطف و احساسات می‌باشد که غالباً تاب مقاومت در برابر آن را ندارند. منتهی به دلیل ضعف سند روایات، حداکثر می‌توان به ارجحیت ورود زنان به مدیریت‌های اجتماعی حکم کرد.
۸	ابزارهای شناخت در مدیریت اسلامی	محسن منطقی	۱۳۹۵	مقاله	تحلیلی- توصیفی	ابزارهای مورد استفاده در دانش مدیریت اسلامی گسترده‌تر و جامع‌تر از دانش مدیریت است که عبارت‌اند از: عقلی، تجربی، و حیانی، شهود، مرجعیت و شیوع.
۹	طراحی الگوی چند سطحی عقلانیت در	عبدالحسین نیسی؛ عادل آذر؛ عباس مقبل با	۱۳۹۶	مقاله	تحلیل محتوا	ابعاد عقلانیت شامل: حق‌گرایی و حق‌محوری، برنامه‌ریزی راهبردی، عدالت محیطی، اخلاق‌محوری،

ردیف	عنوان	نویسنده	سال	قالب	روش	یافته‌ها
	سازمان با رویکرد اسلامی	عرض؛ ولی‌الله نقی پورفر				رهیافت علمی، رفتار شهروندی اجتماعی، مشورت، عدالت سازمانی، کیفیت، مدیریت دانش
۱۰	کارکرد نظریه عقلانیت سیاسی در انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر اندیشه و عمل حکومتی امام خمینی	جلال درخشه؛ سید مهدی موسوی نیا	۱۳۹۷	مقاله	توصیفی تحلیلی	مؤلفه‌های عقلانیت در منش سیاسی امام خمینی عبارت‌اند از: توجه به رشد مادی و معنوی جامعه، اصرار بر ماهیت اسلامی نظام، توجه به عناصر مردم‌سالاری، اصول‌محوری در امور
۱۱	عقلانیت مدیریت جهادی	محمدعلی حسینی‌نیک؛ مجید مختاریان‌پور	۱۳۹۷	مقاله	تحلیل محتوای کیفی	ابعاد عقلانیت جهادی عبارت‌اند از: عقل نظری با مؤلفه‌هایی همچون اعتقاد به جنگ حق و باطل و رحمت خاص الهی و عقل عملی با مؤلفه‌هایی همچون دین‌محوری، توجه به عوامل مافوق طبیعی و مبارزه با دشمن و عقل‌کنشی شامل مؤلفه‌های خردمندی، ایثارگری، رابطه سازنده رهبر- پیرو، مسئله-محوری، نظام‌مندی، برخورد صحیح با دشمن و تلاش‌گری

نزدیک‌ترین پیشینه به این پژوهش از حیث موضوع و روش، رساله دکتری دهقان طرزجانی (۱۳۹۶) است که به دلالت پژوهی عقلانیت قرآنی در خط‌مشی‌گذاری عمومی پرداخته است. تفاوت آن با پژوهش حاضر آن است که در گستره جامعه پژوهش خود تنها به آیات قرآن کریم اکتفا کرده در حالی که این پژوهش، روایات معصومان علیهم‌السلام را نیز مدنظر قرار داده است. در این راستا، نگارنده (۱۳۹۷ و ۱۳۹۸) پژوهش‌هایی جهت فهم عقلانیت اسلامی از محتوای

روایات معصومان انجام و چارچوب اولیه‌ای از عقلانیت اسلامی ارائه داد؛ اما در این پژوهش که مستخرج از رساله دکتری نگارنده است با افزایش وسعت و عمق پژوهش، علاوه بر توسعه چارچوب اولیه عقلانیت اسلامی به تبیین سهم‌یاری‌های آن برای مدیریت دولتی نیز پرداخته شده است.

ادبیات موضوع

در این بخش ابتدا مفهوم عقلانیت مورد بررسی قرار گرفته و سپس عقلانیت در مدیریت دولتی به بحث و بررسی گذاشته می‌شود تا در نهایت جایگاه مبحث عقلانیت در مدیریت دولتی و به تبع آن چارچوب مفهومی پژوهش روشن گردد.

عقلانیت

عقل واژه‌ای عربی است که در کتب لغت، معانی مختلفی چون امساک، پیوند دادن و نگه‌داشتن، بستن و گره زدن، دانش، درک فهم حقایق اشیاء و تمیز حق و باطل و حسن و قبیح نیز برای آن ذکر شده است (راغب، ۱۳۷۳، ص ۵۷۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۰، ج ۱۱، ۴۶۶-۴۵۹؛ فیروزآبادی، ۱۳۶۲: ۹۵۲۰؛ خلیل ابن احمد، ۱۲۵۳؛ قرشی، ۱۳۶۴، ج ۵: ۲۹؛ الجوهری، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۷۶۹؛ ابن فارس، ۱۳۸۹، ج ۴: ۷۰؛ دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۳: ۳۷۰). برخی، این معانی مختلف را به دو معنای عمده‌ی جلوگیری کردن و ربط دادن (نسبت دادن) ارجاع داده‌اند (کرمانی، ۱۳۹۱: ۱۶-۱۴). همچنین در زبان لاتین نیز واژه‌هایی چون (Intellect)^۱، (Wisdom)^۲، (Reason)^۳، (Rasio)^۴، (Logos)^۵ در معنای عقل به کاررفته است. همچنین مشتقاتی چون Rational

۱. (هوش، فهم، قوه‌ی درک و عقل)، (نوع اطلاعات، مبادله‌ی اطلاعات، ارتباط، آمیزش، مذاکره)، (معنی، مقصود، مفاد)

۲. (حکمت، عقل، دانایی و دانش)، (گفتار حکیمانه)، (آدم حکیم و خردمند)، (با حروف بزرگ در یهود به معنای خدا)

۳. ارائه‌ی دلیل، حساب پس دهی، ارضاء، خوشنود سازی، علت، عقل، شعور، استدلال، دلیل، برهان، بحث کردن، توضیح دادن

۴. مشتق از لفظ لاتینی ratio که اصل معنای آن شمارش و حساب کردن بود و تدریجاً معنای از حساب سر درآوردن و دلیل آوردن و قوه‌ی استدلال از آن ساخته شد

۵. این کلمه در معانی ذیل به کاررفته است: Account (ذکر علت، حساب پس دهی، جواب دادن)، Ratio (نسبت)، Reason (عقل)، Argument (بحث کردن)، Discourse (گفتمان)، Saying (گفتار).

Intellectual به معنای عقلی، Wise به معنای عاقل و Reasonable به معنای عقلایی می‌باشد (منصورنژاد، ۱۳۸۲: ۲۲-۲۰).

حاصل آن که عقل در مفهوم و کارکرد، بر تشخیص حق و باطل در اندیشه‌ها، و تشخیص منفعت و ترجیح آن بر شر و ضرر در خصلت‌ها و عملکردها، و کنترل و مهار نفس و منع آن از شورش و طغیان علیه تشخیص و ترجیح عقل و استقرار قلب بر امر احسن مورد گزینش (تحقق یقین ملازم ایمان) و عزم بر بسیج قوای درون و برون جهت تحقق امر احسن گزینش شده دلالت می‌کند. لذا تشخیص حق و خیر و منفعت جزء اولیه مفهوم عقل، و ترجیح حق بر باطل و خیر بر شر و منفعت بر ضرر، جزء ثانویه و مورد تأکید معنی عقل و تحقق ایمان و خلق حسن و عمل صالح نتیجه‌ی طبیعی آن است (نقی پورفر، ۱۳۹۰: ۱۱).

مفهوم عقلانیت ابتدا در فلسفه مطرح بود اما به تدریج در سایر حوزه‌های دانشی همچون روانشناسی و علوم زیستی و علوم اجتماعی تسری یافت (کناف و اسپون،^۱ ۲۰۲۱). از این رو می‌توان گفت علاقه رشته‌های مختلف علوم اجتماعی به بحث از عقلانیت رشد فزاینده‌ای داشته است (کراسک و لوسچمن،^۲ ۲۰۱۸).

با تأملات ماکس وبر مفهوم عقلانیت، این مفهوم در علوم اجتماعی تعبیری متفاوت از آنچه در فلسفه وجود دارد پیدا نمود. وبر میان مفهوم عقلانیت از دیدگاه جامعه‌شناختی با اصطلاح فلسفی «عقلانیت» تفاوت قائل شد؛ بنابراین مفهوم عقلانیت وبری را نباید با اصطلاح عقلانیت موجود در تاریخ که حاصل صیورورت انسانی در فرآیند ترقی جهانی است و فرجام آن پیروزی عقلی است که معنای شکوفایی عدالت حقیقی، تقوای واقعی، برابری صلح و ... را در پی خواهد داشت، اشتباه کرد. عقلانیت فلسفی به معرفت به دست آمده از طریق فهم مشترک، منطق و دلیل نسبت داده می‌شود. درحالی که منظور وبر از عقلانیت، دلیل و برهان نیست؛ بلکه به معنای سازمان‌دهی عقلایی به شیوه زندگی است. بدین صورت که فرد در زندگی دنیایی خود جهت دستیابی به رستگاری که هدف زندگی است کنترل آگاهانه داشته باشد. در نتیجه عقلانیت را کنش و عملی می‌دانند که هدف، وسایل و نتایج را به حساب آورده و موردسنجش قرار دهد. واضح است که چنین عقلانیتی شامل مواردی همچون دلیل و برهان صیورورت انسانی، شکوفایی عدالت و آزادی، تقدس و

1. Spohn & Knauf
2. Loschmann & Craske

ماوراءالطبیعه، شناخت و ترقی اخلاق فردی یا جمعی نمی‌گردد. بلکه شامل سازمان دادن زندگی به وسیله تقسیم و همسازی فعالیت‌های گوناگون، بر پایه شناخت دقیق مناسبات میان انسان‌ها با ابزارها و محیطشان به منظور تحصیل کارایی و بازدهی بیشتر است. چنین عقلانیتی خاصیتی غیرشخصی، مستمر، نظام‌مند، قابل محاسبه، کاربردی و عمومی است که نتیجه تخصص‌گرایی علمی و فنی و عامل توسعه تمدن غربی می‌باشد. وبر در کتاب اقتصاد و جامعه میان محاسبه و احتمال تفاوت قائل شده است و اولی را به منزله صفت و وجه عمل عقلانی و دومی را صفت عمل غیرعقلانی می‌داند. وبر تعبیر عقلانیت را جریان‌های کنش هدف‌دار برای درک انتخاب ابزار با بالاترین قطعیت اعتبار می‌داند (آزاد ارمکی، ۱۳۷۵: ۴۸-۳۹).

وبر (۱۹۶۸) تفسیر دوگانه‌ای از عقلانیت ارائه می‌دهد و آن‌ها را دو سیاق از رفتار انسان می‌داند که یکی ناظر به وسیله-هدف (عقلانیت ابزاری) و دیگری ناظر به ارزش (عقلانیت ارزشی) است. عقلانیت ابزاری را انتظارات از هستارها (چیزهای بیرونی) و رفتارهای سایر افراد می‌داند که از چنین انتظاراتی به عنوان شرایط و ابزار برای تحقق نتایجی که فرد در راستای رسیدن به آن‌ها می‌کوشد بهره‌برداری می‌شود. عقلانیت ارزشی نیز به معنای باور آگاهانه به برخی ارزش‌های درونی غیرمشروط است که در روش خاصی از رفتار مستتر است و مهم نیست که این ارزش از نوع اخلاقی، زیبایی‌شناختی، مذهبی و ... باشد؛ این عقلانیت بر نفس رفتار صرف نظر از اینکه موفق است یا خیر تأکید می‌کند (دانگ، ۱۳۹۷: ۶۳-۶۰).

عقلانیت در مدیریت دولتی

مدیریت دولتی «چیستی و چگونگی دولت» (دیماک^۱، ۱۹۳۶) است که به اجرای بند به بند و نظام‌مند قانون (ویلسون^۲، ۱۸۸۷) پرداخته و به شاخه مجریه نظام اداره عمومی مرتبط می‌شود (گیولیک^۳، ۱۹۳۷) که هدف آن اجرای خط‌مشی عمومی است آن‌گونه که به وسیله سیاستمداران ابلاغ شده است (وایت^۴، ۱۹۴۸؛ سایمون^۵، ۱۹۵۷).

عقلانیت ابزاری و ارزشی، دو رویکرد اصلی در اداره عمومی هستند (دانگ، ۱۳۹۷). اداره عمومی با محوریت عقلانیت ابزاری بر اولویت کارایی تأکید می‌کند؛ پایبند به پیش‌فرض

1. Dimock
2. Wilson
3. Gulick
4. White
5. Simon

منفعت‌طلبی انسان است؛ فنون پژوهشی تجربی را ترجیح می‌دهد و از نقش فنی مدیران و اداره امور عمومی به‌مثابه یک علم حمایت می‌کند. از این رو عقلانیت ابزاری در مدیریت دولتی به معنای راه‌های عقلانی برای دستیابی به اهداف سازمانی مدیریت دولتی اس. (سارکر^۱، ۲۰۱۹؛ د اولیویرا فورناسیر و فرانکلین^۲، ۲۰۱۹). اما اداره عمومی با محوریت عقلانیت ارزشی به پیش‌فرض نوع-دوستی انسان پایبند است؛ بر پرورش روح خیرخواهی عمومی تأکید دارد؛ علاقمند به روش‌های پژوهش‌هنجاری است و بر نقش سیاسی مدیران و اداره امور عمومی به‌مثابه فلسفه اداری تأکید می‌نماید (دانگ، ۱۳۹۷). البته سایمون در تئوری عقلانیت محدود، متذکر شد که توان عقلی انسان در شناخت و انتخاب بهترین گزینه چه به‌عنوان هدف و چه به‌عنوان ابزار، محدود است (شفرن و دیگران، ۲۰۲۰) که این مهم در مدیریت دولتی خصوصاً مدیریت دولتی، تفاوت‌های بین این دو رویکرد است که در تغییر و تحولات رشته اداره عمومی نمود یافته است. از این رو بررسی سیر تطور مکاتب مدیریت دولتی از منظر عقلانیت، حاکی از نوسان مکاتب میان دو رویکرد ابزاری و ارزشی به عقلانیت است (دانگ، ۱۳۹۷). در حوزه علوم سیاسی و مدیریت دولتی بسیاری از صاحب‌نظران پس از نقد تفسیر ابزاری عقلانیت تفسیر خود را ارائه نموده و انواع دیگری از عقلانیت را مفهوم‌سازی کرده‌اند که خلاصه آن‌ها در جدول ۲ ارائه گردیده است.

جدول ۲. انواع عقلانیت در مدیریت دولتی

عنوان عقلانیت	توضیح
عقلانیت عمومی	رویکردی انتقادی نسبت به عقلانیت ابزاری است که زندگی اجتماعی را به طور ناعادلانه شکل می‌دهد؛ این عقلانیت تفکر عمومی را تشویق می‌کند و با تأکید بر روش‌های نوین هدایتگری، از پزمرده شدن شهروندان از لحاظ سیاسی جلوگیری می‌کند (ونتریس، ۲۰۰۲).
عقلانیت غنی	عقلانیت غنی به‌جای توجه به دانش‌های کلی و مبهم بر اهمیت دانش مفهومی و همراه با شواهد و قرائن تأکید می‌کند و بیان می‌دارد که ارزش‌ها و اهداف باید دائماً در کنار ملاحظات مربوط به خط‌مشی موردتوجه باشد (شرووز، ۲۰۰۲).

1. Sarker
2. De Oliveira Fornasier & Franklin

عنوان عقلانیت	توضیح
عقلانیت ارتباطی	منتقد تفسیر تک‌بعدی از عقلانیت است و نقد عقلانیت ابزاری را با نقد شیء‌شدگی آن بیان می‌کند. بدین ترتیب او با ارائه نظریه کنش ارتباطی این ایده را مطرح می‌کند که عقلانیت به یک کنش و عمل تنها اشاره ندارد، بلکه به ارتباط و تعامل برمی‌گردد (هابرماس ^۱ ، ۱۹۸۴).
عقلانیت انتقادی	عقلانیت انتقادی در هر رشته، جایگزین کردن روش اثباتی با روش نقدی است و شیوه‌ای از تفکر ارائه می‌دهد که ویژگی بارز آن تعقل درباره امور مختلف و آمادگی برای گوش سپردن به استدلال‌های نقادانه و جستجو برای یافتن اشتباهات خود و درس آموختن از آن‌هاست (بختیار نصرآبادی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۵-۱۳۹).
عقلانیت جوهری	عقلانیت جوهری عنوان می‌کند که عقلانیت باید برخاسته از ذات و جوهره انسانی باشد، بر این اساس، اصول ارزشی هدایتگر انسان خواهند بود. این عقلانیت اعمال ارزش‌مدار را مشخص می‌کند که بدون ملاحظه نتایج به دست آمده، این نوع از اعمال مبتنی بر استانداردهای اخلاقی هستند (ریسچر ^۲ ، ۱۹۸۸: ۲۰۷-۲۰۵؛ بولیس ^۳ و دیگران، ۲۰۱۷: ۳؛ کالبرگ ^۴ ، ۱۹۸۰: ۱۲-۱۵).
عقلانیت حقیقی	عقلانیت حقیقی عقلانیت ابزاری و عقلانیت هدف را باهم در نظر می‌گیرد. مدل عقلانیت حقیقی از لحاظ ابعاد فلسفی، روح و روان انسانی و مذهبی (به‌خصوص تجسم ارزش‌های متعالی) نسبت به مفاهیم اقتصادی منطقی‌تر است. عنوان می‌کند که رفتار انسان عقلایی مشخصه‌های زیر را دارد: ۱. ارزش‌ها و اهداف او را منعکس کند. ۲. به دنبال مشخص کردن چیزی باشد که بهترین مورد برای انسان باشد. ۳. پیامدهای بلندمدت رفتار انسان را مدنظر قرار دهد. ۴. اخلاقیات را ملاحظه کند. ۵. خوشحالی و شادمانی واقعی را برای او به همراه داشته باشد (شاکون ^۵ ، ۲۰۰۶؛ تومر ^۶ ، ۲۰۰۸؛ بید و بید ^۷ ، ۱۹۹۹).

3. Habermas

1. Rescher

2. Bolis

3. Kalberg

4. Shakun

5. Tomer

6. Beed and Beed

عنوان عقلانیت	توضیح
عقلانیت اخلاقی	بدین معناست که هر جامعه بشری دارای اصول و قواعد اخلاقی بوده که مورد احترام مردم آن جامعه است و دولت باید ارزش‌های مورد احترام جامعه را در خط‌مشی‌های خود مدنظر قرار دهد زیرا تخطی از آن‌ها مشروعیت نظام سیاسی را خدشه‌دار می‌کند (اسنایدر و دیگران، ۲۰۰۶).
عقلانیت اقتصادی	عقلانیت اقتصادی از این حقیقت ناشی می‌شود که ابزار پاسخ به نیازها محدود است و هرچقدر از ابزارهای در دسترس استفاده بهتری شود، نیازهای بیشتری را می‌توان پاسخ گفت. عناصر این عقلانیت به دو دسته تقسیم می‌شوند که شامل کارآمدی اقتصاد خرد و اقتصاد کلان که می‌بایست بر اساس آن به اصول اقتصادی و انگیزه‌های اقتصادی توجه کرد (اسنلن، ۲۰۰۲).
عقلانیت سیاسی	بر اساس این تفسیر از عقلانیت، ماده اولیه علم سیاست و مدیریت دولتی، قدرت متقاعدسازی طرف مقابل به وسیله رویه‌های رأی‌دهی و قدرت قانون‌گذاری است که جامعه را از دیکتاتوری و الیگارشی حفظ می‌نماید. یکی از عناصر این عقلانیت این است که دولت بتواند در عین ادعای برابری، توزیع نابرابر منابع مختلف را برقرار سازد. عنصر دوم عقلانیت سیاسی به استمرار قدرت فرد یا گروه‌های موجود در فرآیند خط‌مشی‌گذاری توجه می‌کند و عنصر سوم در این عقلانیت، به یکپارچگی جامعه و مشارکت جمعی در حل مسائل عمومی توجه می‌کند. (اسنلن، ۲۰۰۲)
عقلانیت قانونی	بر اساس این نوع از عقلانیت، دولت در پی توجه به الزامات قانونی است تا بدین وسیله «اطمینان قانونی» در رفتارهای دولت رعایت شود. اولین عنصر این نوع عقلانیت برابری در پیشگاه قانون است که ادعای حکومت در مورد برابری را توجیه می‌کند. سامان دادن پدیده‌های اجتماعی در مجموعه‌های قانونی عنصر دوم این عقلانیت است که آن را «امنیت قانونی» می‌گویند. عنصر سوم جلوگیری از انجام عمل خودسرانه و یا اطمینان یافتن از وجود حداقل درجه خردمندی در اقدامات حکومت است که می‌تواند مکمل دیگر عناصر باشد (اسنلن، ۲۰۰۲: ۳۲۹)
عقلانیت حرفه-ای (علمی)	بر اساس این عقلانیت، مدنظر قرار دادن دانشی که از تجربیات علمی کسب می‌شود، دانش عملی در مورد الگوهای رفتاری در بخش‌ها و حوزه‌های مختلف و توجه به امکان‌سنجی مداخلات دولت از پیش‌فرض‌های یک خط‌مشی دولتی عقلایی است. همچنین در این نوع عقلانیت، جامعه‌شناسی سازمان‌ها، روان‌شناسی جامعه، علوم ارتباطات، شاخه‌های بخش محور علوم اجتماعی و دانش فنی، نقش مهمی را ایفاء می‌کنند. این علوم مستقلاً روی اقدامات واقعی تکیه دارند (اسنلن، ۲۰۰۲)

مرور ادبیات موضوع نشان می‌دهد که در میان عقلانیت‌های مطرح شده در مدیریت دولتی، به مقوله عقلانیت دینی کمتر اشاره شده است. اگرچه شاید بتوان این عقلانیت را در عقلانیت اخلاقی جستجو کرد بین آن دو مرزهایی مشاهده می‌شود. دین به‌مثابه راهنمای عمل انسان، در خود نوعی عقلانیت دارد که به نظر می‌رسد تحقق آن عقلانیت در زندگی بشر سایر عقلانیت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵: ۴۳).

روش پژوهش

مطابق با پیام پژوهش ساندرز^۱ (۲۰۰۹) فلسفه روش این پژوهش، ذیل پارادایم تفسیری جای دارد؛ چراکه طی آن سعی شده است که مضامین کلیدی عقلانیت از آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام شناسایی و تحلیل و تفسیر گردد. رویکرد این پژوهش نیز استفهام^۲ (محمدپور، ۱۳۹۷: ۱۲۷) است^۳؛ یعنی سعی شده است تا اولاً منطق و نگرش آیات و روایات به

1. Saunders

2. Abduction

۳. به‌کارگیری رویکرد استفهام در قالب پیاده‌سازی روش تحلیل مضمون صورت گرفته است. بدین‌صورت که از دل احادیث و آیات متکثر و متنوع راجع به عقلانیت، یک چارچوب مفهومی شامل زمینه‌ها، ساحت‌ها و پیامدهای عقلانیت، صورت‌بندی شده است. این الگو، چیزی جز استنباط و فهم پژوهشگر از مطالع آیات و روایات نیست. ممکن است پژوهشگر دیگر، با الگوی متفاوتی بتواند مضامین آیات و روایات را با یکدیگر پیوند دهد. در ادامه به بیان تفاوت رویکردهای استقراء، قیاس، پس‌کاوی و استفهام بیان می‌شود. رویکرد استقراء: استقراء در علم منطق به معنای اثبات یک حکم کلی بر اساس مطالعه تک‌تک مصادیق تعریف شده است. مثلاً اینکه چون کلاغ ۱ سیاه است، کلاغ ۲ سیاه است، ... و کلاغ ۱۰۰۰ سیاه است؛ پس در نتیجه همه کلاغ‌ها سیاه هستند؛ اما این اصطلاح در ادبیات روش تحقیق معنای توسعه‌یافته‌تری دارد. در پژوهش‌های با رویکرد استقرائی، معلول‌ها و علت‌ها معلوم هستند درحالی‌که نوع و منطق رابطه میان آن دو مجهول است. مثلاً آب جوش آمده (معلول) و آتش (علت) موجود هستند ولی منطق ارتباطی میان آتش و آب جوش مشخص نیست؛ یعنی مشخص است که هنگام قرار دادن آتش در مجاورت ظرف آب، آب به جوش می‌آید اما مشخص نیست که چرا این اتفاق می‌افتد؟ منطق این ارتباط زمانی کشف می‌شود که آب‌های مختلفی در شرایط مختلف در مجاورت آتش قرار داده شده و دمای آن‌ها سنجیده شود تا اینکه مشخص می‌شود زمانی که آب به دمای ۱۰۰ درجه می‌رسد به جوش می‌آید. لذا آتش (علت) به این دلیل (منطق و نوع رابطه) که آب را به دمای ۱۰۰ درجه می‌رساند موجب به جوش آمدن آب (معلول) می‌شود. در نتیجه در رویکرد استقراء که اصطلاحاً حرکت از جزء به کل است، اساساً اجزاء با یکدیگر همگن هستند که قانون واحدی که بر همه آن‌ها صدق کند کشف می‌گردد. این رویکرد متأثر از فلسفه اثبات‌گرا است که واقعیت را امری عینی و قابل کشف (در قالب قوانین جهان‌شمول) می‌داند.

رویکرد قیاس: قیاس در علم منطق به معنای تسری یک حکم کلی برای یک مصداق جزئی است. مثلاً اینکه همه کلاغ‌ها سیاه هستند؛ پرنده X کلاغ است؛ در نتیجه پرنده X سیاه است؛ اما این اصطلاح در ادبیات روش تحقیق معنای توسعه‌یافته‌تری دارد.

عقلانیت استفهام گردد و پس از آن سهم‌یاری‌هایی که این عقلانیت در مدیریت دولتی دارد استفهام شود. همچنین پژوهش حاضر چون به بررسی و تحلیل مفهوم عقلانیت از دل آیات و روایات پرداخته شده است، دارای جهت‌گیری بنیادی است. صبغی این پژوهش نیز کیفی است چراکه در پی فهم نگاه آیات و روایات به عقلانیت و سهم‌یاری‌های این نگاه در مدیریت دولتی است. به لحاظ مآخذ جمع‌آوری داده‌ها این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای محسوب می‌گردد. این پژوهش، پژوهشی کیفی است که در آن از راهبرد تحلیل مضمون برای صورت‌بندی

ادامه پاورقی صفحه قبل: در پژوهش‌های با رویکرد قیاسی، علت و منطق و نوع رابطه‌ی علت با معلول معلوم بوده و تنها معلول‌ها مجهول هستند. این نوع رویکرد بیشتر برای مسائل با ماهیت پیش‌بینی و کنترل پدیده‌ها استفاده می‌شوند؛ مانند اینکه آب در ۱۰۰ درجه به جوش می‌آید؛ یعنی هر چیزی بتواند آب را به دمای ۱۰۰ درجه برساند علت جوش آمدن آب محسوب می‌شود. پس اگر آبی داشته باشیم و بخوایم آن را به جوش آوریم (معلول) کافی است عاملی (علت) همچون آتش، هیتر برقی یا ... که بتواند آن را به دمای ۱۰۰ درجه برساند در مجاورت آن قرار دهیم تا آب جوش حاصل شود. مثال دیگر، مریضی است که دچار بیماری شناخته شده‌ای شده و داروی آن را مصرف می‌کند و درمان می‌شود.

اما سؤال مهم این است که در استفاده از این رویکرد، منطق و نوع رابطه علت و معلول چگونه و از کجا حاصل شده است؟ در پاسخ به این سؤال مطرح شد که قانون جهان‌شمول قطعی پیشینی وجود ندارد و لذا مفهوم فرضیه به‌عنوان گزاره پیشنهادی برای تبیین منطق و نوع رابطه علت و معلول مطرح شد و از این رو، عنوان این رویکرد به قیاس فرض تکامل یافت. این رویکرد متأثر از فلسفه ابطال‌گراست که واقعیت را امری عینی می‌داند ولی برخلاف فلسفه اثبات‌گرا آن را به صورت کامل قابل کشف نمی‌داند.

رویکرد پس‌کاوی: اگر فقط معلول موجود و شناخته شده باشد و علت و منطق و نوع رابطه میان علت و معلول، مجهول باشد از رویکرد پس‌کاوی جهت شناسایی آن دو عنصر استفاده می‌شود. مثلاً یک کارآگاه در یک صحنه قتل با مقتول و یک سری شواهد و پدیده‌هایی مواجه می‌شود که می‌بایست آن‌ها را با الگوهای ذهنی خود به طریقی هوشمندانه چنان به یکدیگر متصل کند تا بتواند سرنخی از قاتل و چرایی و چگونگی قتل پیدا نماید. در نتیجه پس از بررسی‌های کارشناسی و طی گزارشی، الگو و منطق وقوع این قتل را تبیین می‌کند. مثال دیگر در این زمینه، مواجهه پزشک با یک نوع بیماری ناشناخته است که تنها یک سری شواهد و عوارض از آن قابل مشاهده است اما علل آن و چگونگی ارتباط آن علل با عوارض مشهود ناشناخته است. در این راستا ممکن است پزشک از ترکیبی از رویکردهای قیاسی و استقرایی برای پس‌کاوی این پدیده بهره‌گیرد. این رویکرد متأثر از فلسفه انتقادی است که سعی می‌کند به علل و عوامل پدیده‌های مورد مشاهده و منطق ارتباطی میان آن‌ها بپردازد.

رویکرد استفهام: اگر به صورت کلی، به دنبال نظامی از علت‌ها، معلول‌ها و روابط میان آن‌ها در میان مجموعه‌ای از پدیده‌ها باشیم می‌بایست با الگویی ذهنی چنین نظامی را میان پدیده‌ها ایجاد کنیم. از این رو می‌بایست الگوی مذکور را از مجموعه پدیده‌های مشاهده شده استنباط، استنتاج یا استفهام کنیم. نمونه بارز کاربرد این رویکرد، فهم پاسخ آموزه‌های دینی راجع به مسائل یا پدیده‌های مستحدثه‌ای است که در زمان تشریح دین وجود نداشته‌اند. مثلاً وقتی می‌خواهیم نظریه‌ی سازمان اسلامی ایجاد کنیم از آنجا که پدیده سازمان در زمان تشریح دین مبین اسلام وجود نداشته و گزاره‌های مستقیمی راجع به این پدیده در آموزه‌های دینی وجود ندارد ناگزیریم از مجموع آموزه‌های اسلامی، نظریه اسلام را راجع به سازمان، استفهام، استنتاج یا استنباط کنیم. این رویکرد ریشه در پارادایم تفسیری دارد که واقعیت را به‌مثابه الگوهای ذهنی می‌داند که در بیرون متجلی شده است.

مفهوم عقلانیت اسلامی از محتوای آیات و روایات استفاده گردیده است. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۳). واژه مضمون یا تم، مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سؤالات تحقیق است و تا حدی معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد. مضمون الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازمان‌دهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد. به‌طور کلی، مضمون، ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر، نشان‌دهنده تجربه خاصی در رابطه با سؤالات تحقیق است (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۹).

با توجه به تنوع روش‌های به کار رفته در تحلیل مضمون و تنوع دیدگاه صاحب‌نظران، عناوین و طبقه‌بندی‌های متفاوتی برای مضامین وجود دارد. از این رو الگوهای متفاوتی برای پیاده‌سازی روش تحلیل مضمون وجود خواهد داشت که الگوی انتخابی با توجه به هدف این پژوهش، الگوی کینگ و هورکس^۱ (۲۰۱۰) است که مضامین را با توجه به نقش آن‌ها در تحلیل به سه دسته عمده کلان، یکپارچه‌کننده و کلیدی تقسیم‌بندی کرده‌اند (شیخ‌زاده و بنی اسد، ۱۴۰۰: ۶۵). مضمون کلیدی مبین نکته مهم و برجسته‌ای در متن است؛ مضمون یکپارچه‌کننده مضامین کلیدی حول یک محور مشترک گرد هم می‌آورد و مضمون کلان دربرگیرنده بخش عمده‌ای از مضامین و کدهای شناخته شده است (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۶۰). مراحل انجام روش تحلیل مضمون مطابق با الگوی صورت گرفته است:

جدول ۳. مراحل اجرایی گام به گام روش تحلیل مضمون (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۳)

مرحله	گام	اقدام
اول: تجزیه و توصیف متن	۱- آشنا شدن با متن	۱. مکتوب کردن داده‌ها ۲. مطالعه اولیه و مطالعه مجدد داده‌ها ۳. نوشتن ایده‌های اولیه

مرحله	گام	اقدام
	۲- ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری	۴. پیشنهاد چارچوب کدگذاری و تهیه قالب مضامین ۵. تفکیک متن به بخش‌های کوچک‌تر ۶. کدگذاری ویژگی‌های جالب داده‌ها
	۳- جستجو و شناخت مضامین	۷. تطبیق دادن کدها با قالب مضامین ۸. استخراج مضامین از بخش‌های کدگذاشته متن ۹. پالایش و بازبینی مضامین
دوم: تشریح و تفسیر متن	۴- ترسیم شبکه مضامین	۱۰. بررسی و کنترل همخوانی مضامین با کدهای مستخرج ۱۱. مرتب کردن مضامین ۱۲. انتخاب مضامین کلیدی، یکپارچه‌کننده و کلان ۱۳. ترسیم نقشه مضامین ۱۴. اصلاح و تأیید شبکه مضامین
	۵- تحلیل شبکه مضامین	۱۵- تعریف و نام‌گذاری مضامین ۱۶- توصیف و توضیح شبکه مضامین
سوم: ترکیب و ادغام متن	۶- تدوین گزارش	۱۷- تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح آن ۱۸- استخراج نمونه جالب داده‌ها ۱۹- مرتبط کردن نتایج تحلیل با سؤالات تحقیق و مبانی نظری ۲۰- نوشتن گزارش علمی و تخصصی از تحلیل‌ها

در مورد پایایی و روایی این تحقیق نیز لازم به ذکر است که از آنجاکه اساساً این دو مفهوم از لحاظ مبانی فلسفی ریشه در پارادایم کمی دارند، پژوهشگران پژوهش‌های کیفی از معیار «اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد» جهت ارجاع به ارزیابی کیفیت نتایج کیفی استفاده می‌کنند

(توینینگ^۱، ۲۰۰۰: ۱۰). از همین دسته، لینکلن^۲ و گوبا^۳ برای قابل اعتماد بودن پژوهش‌های کیفی، معیارهایی چون امکان اعتبار^۴، تأییدپذیری^۵، اطمینان‌پذیری^۶ و انتقال‌پذیری^۷ را ارائه کرده‌اند. (سینکوویچ^۸ و دیگران، ۲۰۰۸: ۶۹۳)

قابلیت اعتبار به معنای تلاش آگاهانه برای اطمینان از تفسیر معنی داده‌ها از نظر صحت و درستی است. معتبر بودن مربوط به اعتبار داخلی پژوهش است، یعنی درجه حقیقی بودن یافته‌های مطالعه و این که یافته‌ها بازتاب هدف پژوهش و واقعیت است (محمدپور، ۱۳۸۸: ۸۱). برای سنجش معیار اعتبار تکنیک‌های مختلفی همچون درگیری طولانی‌مدت و مشاهده مداوم، بازبینی توسط همکاران، زاویه‌بندی و... ارائه گردیده (طباطبایی و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۶۶-۶۶۴) که در این پژوهش بازبینی توسط همکاران استفاده شد. به این منظور متن مصاحبه و کدهای استخراج شده به مشارکت کنندگان ارائه شد و آن‌ها درباره صحت و سقم آن اظهار نظر می‌کردند و در صورت داشتن هرگونه مغایرت، مراتب مورد توجه و بررسی قرار می‌گرفت.

تاییدپذیری نشان‌دهنده عینیت کیفی گزارش پژوهش است که نشان می‌دهد یافته‌های آن عملاً و واقعاً مبتنی بر داده‌ها هستند. قابلیت تأیید را می‌توان از طریق استانداردسازی روش‌ها و ارائه روند پژوهش به طریقی که قابل پیگیری باشد تضمین نمود. در واقع این معیار نشان می‌دهد که نتایج پژوهش، حاصل فرضیه‌ها و پیش‌دانسته‌های پژوهشگر نیست (محمدپور، ۱۳۸۸: ۸۲). پژوهشگران از طریق حسابرسی پژوهش، تأییدپذیری را مورد بررسی قرار می‌دهند که عبارت است از تشریح کامل مراحل تحقیق اعم از جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و شکل‌گیری درون‌مایه‌ها به منظور فراهم نمودن امکان ممیزی پژوهش (طباطبایی و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۶۷). از این رو فرایند انجام پژوهش حاضر در اختیار چند تن از همکاران پژوهش قرار داده شد تا صحت نحوه انجام پژوهش تأیید گردد.

معیار اطمینان‌پذیری عبارت است از توانایی شناسایی جایی که داده‌های یک مطالعه از آنجا

1. Twining
2. Lincoln
3. Guba
4. Credibility
5. Confirmability
6. Dependability
7. Transferability
8. Sinkovics

آمده، چگونه گردآوری شده و چطور به کار رفته‌اند (محمدپور، ۱۳۸۸: ۸۱). به عبارت دیگر این معیار نشان‌دهنده قابلیت تکرار داده‌ها در زمان‌ها و شرایط مشابه است که می‌توان آن را مشابه معیار پایایی در پژوهش‌های کمی دانست. به عبارت دیگر، خواننده پژوهش باید قادر به ارزیابی کفایت تحلیل انجام شده از طریق پیگیری فرایندهای تصمیم‌گیری پژوهشگر باشد. حسابرسی پژوهشی تکنیکی برای سنجش معیار اطمینان‌پذیری است که طی آن محققان دیگر می‌توانند چرخه تصمیم‌گیری‌های انجام شده توسط محقق اصلی را پیگیری نمایند (طباطبایی و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۶۷). در این پژوهش از روش حسابرسی تحقیق یعنی بررسی دقیق داده‌ها توسط یک ناظر خارجی جهت سنجش اطمینان‌پذیری پژوهش استفاده گردید.

انتقال‌پذیری شبیه به مفهوم اعتبار بیرونی بوده و اشاره به این دارد که یافته‌های مطالعه تا چه حدی در دیگر گروه‌ها یا جاها قابل انتقال یا استفاده است. دیدگاه‌ها و تجارب گوناگون مشارکت‌کنندگان مختلف در مورد یک پدیده یا همان اصل حداکثری تنوع باعث افزایش قابلیت انتقال یافته‌ها می‌گردد. ابزار اولیه ایجاد انتقال‌پذیری استفاده از توصیف مناسب در ارائه همه جزئیات مرتبط با فرایند تحقیق یا توصیف ضخیم^۱ است که در این پژوهش از آن بهره گرفته شده است (محمدپور، ۱۳۸۸: ۸۳). در توصیف ضخیم، پژوهشگر باید توصیف روشنی از بستر، نحوه انتخاب و ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان، جمع‌آوری داده و فرایند تحلیل ارائه نماید تا خواننده بتواند در مورد قابلیت کاربرد یافته‌ها در موقعیت‌های دیگر قضاوت نماید. در این پژوهش با ارائه یافته‌های غنی و دقیق همراه با نقل قول‌های مناسب، سعی شده است قابلیت انتقال‌پذیری آن افزایش یابد.

یافته‌های پژوهش

داده‌های این پژوهش از اسناد و مدارک کتابخانه‌ای (الکترونیکی) گردآوری گردیده است. در این راستا با مراجعه به نسخه الکترونیکی کتاب میزان الحکمه^۲ در سایت مدرسه فقهات^۳ و جستجوی ریشه عقل و مشتقات آن و واژه‌هایی که هم‌ردیف و هم‌معنای عقل هستند همچون لب،

1. Thick Description

۲. کتاب میزان الحکمه با مشورت خبرگان و بررسی‌های انجام شده به‌عنوان جامع‌ترین منبع روایات معصومان^(ع) انتخاب گردید.

3. <http://lib.eshia.ir>

حجر، نهیه، ذکی و... و نیز واژه‌هایی که معنای متضاد با عقل داشتند همچون جهل و حلق احادیثی که مشتمل بر واژه‌های مذکور بودند شناسایی و پس از بررسی اولیه، ۴۹۱ روایت برای مضمون یابی انتخاب گردیدند. ۶۲ آیه نیز از قرآن کریم شناسایی شد که حاوی مضامین راجع به عقل بودند. با تحلیل آیات و روایات یافت شده، ۸۳۴ کد با تکرار شناسایی گردید سپس با ترکیب و جمع مضامین مذکور ۹۵ مضمون کلیدی بدون تکرار شکل گرفت. پس از آن نیز با کدگذاری ثانویه مضامین کلیدی مضامین یکپارچه‌کننده شکل گرفت و نهایتاً مضامین کلان صورت‌بندی گردید. تحلیل مضامین مذکور منجر به شکل‌گیری سه بُعد اصلی برای عقلانیت شد که شامل زمینه‌ها، ساحت‌ها و پیامدهای عقلانیت بود. مضامین مرتبط با ساحت‌های عقلانیت نیز خود به سه مؤلفه اندیشه، صفات و افعال طبقه‌بندی گردیدند که هر یک از این ساحت‌ها نیز خود دارای دو دسته مضمون گردیدند که یک دسته ناظر به شرایط لازم و حداقلی و دسته دیگر ناظر به شرایط و آرمانی بود. در جدول ۳ نمونه‌ای از تحلیل مضمون انجام گرفته نشان داده شده است:

جدول ۴. نمونه تحلیل مضمون انجام گرفته

ردیف	متن	ترجمه	منبع	کد	مضمون کلیدی
۱	عنه عليه السلام - لَمَّا سَأَلَهُ أَبُوهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْعَقْلِ - حِفْظُ قَلْبِكَ مَا اسْتَوْدَعْتَهُ .	امام حسن علیه السلام - در پاسخ به سؤال پدر بزرگوارش از او که خرد چیست؟ فرمود: این که دلت آنچه را به او می‌سپاری، نگه دارد.	میزان الحکمه، ج ۷، ص ۵۱۰	۱	ثابت قدم بودن

کتاب	متن	ترجمه	منبع	کد	مضمون کلیدی
۴	رسولُ الله صلی الله علیه و آله : المالُ یُکْشِفُ عَنْ الْمِقْدَارِ عَقْلَ صَاحِبِهِ، وَ الْحَاجَّةُ تَدُلُّ عَلَى عَقْلِ صَاحِبِهَا، وَ الْمُصِيبَةُ تَدُلُّ عَلَى عَقْلِ صَاحِبِهَا إِذَا نَزَلَتْ بِهِ، وَ الْغَضَبُ يَدُلُّ عَلَى عَقْلِ صَاحِبِهِ	پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ثروت، از اندازه خرد صاحبش پرده برمی‌دارد و نیاز، نشانگر خرد صاحب نیاز است و مصیبت، هرگاه بر کسی فرود آید، میزان خرد او را نشان می‌دهد و خشم به میزان خرد خشم‌کننده رهنمون می‌شود.	میزان الحکمه، ج ۷، ص ۵۴۰	۴,۱	هوشیاری و عدم غفلت فریفته شدن (نسبت به مال)
				۴,۲	قناعت‌ورزی و دوری از طمع
۵	الإمامُ علیُّ علیه‌السلام: كَيْفِيَّةُ الْفِعْلِ تَدُلُّ عَلَى كَمِّيَّةِ الْعَقْلِ	امام علی علیه‌السلام: کیفیت کار، نشانگر کمیت خرد است.	میزان الحکمه، ج ۷، ص ۵۴۰	۵	عمل به حق (مبتنی بر منطق و شرع) و به‌جا (بر اساس موقعیت)
۶	الإمامُ علیُّ علیه‌السلام: يُسْتَدَلُّ عَلَى عَقْلِ الرَّجُلِ بِالتَّحَلِّيِ بِالْعِفَّةِ وَ الْقَنَاعَةِ	امام علی علیه‌السلام: از آراستگی مرد به زیور خویشتن‌داری و قناعت، می‌توان به خرد او پی برد	میزان الحکمه، ج ۷، ص ۵۴۰	۶,۱	عقیف بودن
				۶,۲	قناعت‌ورزی و دوری از طمع

کتاب	متن	ترجمه	منبع	کد	مضمون کلیدی
<	الإمامُ عليُّ عليه السلام: يُسْتَدَلُّ عَلَى عَقْلِ كُلِّ أَمْرٍ بِمَا يَجْرِي عَلَى لِسَانِهِ	امام علی علیه السلام : از سخنان هر انسانی می توان به میزان خرد او پی برد.	میزان الحکمه، ج ۷، ص ۵۴۰	۷	سخن گفتن به حق (متناسب با ظرفیت علمی) و به جا (متناسب با موقعیت)
م	الإمامُ عليُّ عليه السلام: رَسُولَكَ تَرْجُمَانُ عَقْلِكَ، وَ كِتَابُكَ أْبْلَغُ مَا يَنْطِقُ عَنْكَ	امام علی علیه السلام : فرستاده تو بازگوکننده خرد توست، و نامهات رساترین سخنگوی توست.	میزان الحکمه، ج ۷، ص ۵۴۰	۹	اسوه بودن در همه شئون
>	الإمامُ عليُّ عليه السلام: يُسْتَدَلُّ عَلَى عَقْلِ الرَّجُلِ بِكَثْرَةِ وَقَارِهِ، وَ حُسْنِ احْتِمَالِهِ	امام علی علیه السلام : از بسیاری وقار مرد و بردباری نیکوی او، به خردش پی برده می شود.	میزان الحکمه، ج ۷، ص ۵۴۰	۸،۱	وقار (خویشترداری) و آرامش ظاهری (ویکی فقه)
				۸،۲	حلم و صبر و دوری از عجله
==	عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ إِنْ كَانَ ذَمِيمَ الْمَنْظَرِ حَقِيرَ الْخَطَرِ	پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خردمند کسی است که خدا را فرمان برد؛ گر چه زشت‌رو و حقیر باشد.	میزان الحکمه، ج ۷، ص ۵۲۷	۱۱	دین‌داری و بندگی خداوند

کتاب: متن	متن	ترجمه	منبع	کد	مضمون کلیدی
۱۴	الإمامُ عليٌّ عليه السلام : العاقلُ مَنْ تَوَرَّعَ عَنِ الذُّنُوبِ، وَ تَنَزَّهَ مِنَ العُيُوبِ	امام علی علیه‌السلام : خردمند کسی است که از گناهان دوری کند و از عیب‌ها پاک باشد.	میزان الحکمه، ج ۷، ص ۵۲۷	۱۴	دوری از عیوب فردی و اجتماعی
۱۵	الإمامُ عليٌّ عليه السلام : هِمَّةُ العاقلِ تَرَكُّ الذُّنُوبِ، وَ إِصْلَاحُ العُيُوبِ	امام علی علیه‌السلام : همت خردمند ترک گناهان و برطرف کردن عیب‌هاست.	میزان الحکمه، ج ۷، ص ۵۲۷	۱۵	ارزیابی و اصلاح عمل
۱۸	الإمامُ زين العابدين عليه السلام : آدابُ العُلَمَاءِ زِيَادَةُ فِي العَقْلِ ... وَ كَفُّ الأذى مِنَ كَمَالِ العَقْلِ	امام زین‌العابدین علیه‌السلام : هم‌نشینی با دانشمندان موجب فزونی خرد است... و آزار نرساندن، از کمال خرد است.	میزان الحکمه، ج ۷، ص ۵۳۷	۱۸،۱	رعایت آداب و حریم‌ها
۲۱	الإمامُ عليٌّ عليه السلام : العَقْلُ عَقْلَانِ : عَقْلُ الطَّبعِ وَ عَقْلُ التَّجْرِيبِ، وَ كِلَاهُمَا يُؤدِي المَنْفَعَةَ	امام علی علیه‌السلام : خرد دو گونه است: خرد طبیعی (ذاتی) و خرد تجربی و هر دوی آن‌ها سودآورند.	میزان الحکمه، ج ۷، ص ۵۱۸	۲۳	دو نوع عقل: ذاتی (طبیعی) و تجربی
۲۲	الإمامُ عليٌّ عليه السلام: أَفْضَلُ العَقْلِ مَعْرِفَةُ الحَقِّ بِنَفْسِهِ	امام علی علیه‌السلام : برترین خرد، شناخت حق به خود آن است.	میزان الحکمه، ج ۷، ص ۵۴۸	۲۴	تشخیص و فهم صحیح و دقیق
۲۳	الإمامُ الباقرُ عليه السلام : العَقْلُ مَسْكَنَةُ القَلْبِ	امام باقر علیه‌السلام : خرد، جایگاهش دل است.	میزان الحکمه، ج ۷، ص ۵۵۳	۲۶	ارتباط عقل با قلب و حواس

کتاب: متن	متن	ترجمه	منبع	کد	مضمون کلیدی
۷۶	الإمامُ عليُّ عليه السلام: ما آمنَ المؤمنُ حتى عقلَ	امام علی علیه السلام: مؤمن ایمان نیاورد مگر آنگاه که خرد ورزید.	میزان الحکمه، ج ۷، ص ۵۰۷	۳۸	ایمان و خدااباوری
۱۰۲	الإمامُ الكاظمُ عليه السلام: يا هشامُ! لا دينَ لمن لا مُروءةَ له، ولا مُروءةَ لمن لا عقلَ له	امام کاظم علیه السلام: ای هشام! دین ندارد کسی که جوانمردی ندارد و جوانمردی ندارد کسی که خرد ندارد	میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۳۱۰	۱۰۲	جوانمردی و فتوت
۲۳۳	عليه السلام: كلما ازداد عقل الرجل قوی إيمانه بالقدرِ و استخفَّ بالغيرِ	امام علی علیه السلام: هرچه بر خرد مرد افزوده شود، ایمانش به تقدیر قوی تر می شود و به دگرگونی ها اهمیتی نمی دهد.	میزان الحکمه، ج ۹، ص ۳۰۴	۲۳۲،۱	ایمان و خدااباوری
				۲۳۲،۲	توحیدنگری
۴۱۵	الإمامُ عليُّ عليه السلام: السخاءُ ثمرَةُ العقلِ، و القناعةُ بُرهانُ النبيلِ	امام علی علیه السلام: بخشندگی، میوه خرد است، و قناعت، دلیل شرافت.	میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۵۳	۴۱۵	سخاوت
۵۵۱	وما أُرسلنا من قبلك إلاً رجلاً نوحى إليهم من أهل القرى أفلم يسيروا	پیش از تو [نیز] جز مردانی از اهل شهرها را که به آنان وحی می کردیم نفرستادیم آیا در زمین	قرآن کریم، سوره یوسف آیه ۱۰۹،	۵۵۶،۱	معادگرایی

کد متن	متن	ترجمه	منبع	کد	مضمون کلیدی
	فِي الْأَرْضِ قَبِيظٌ رُكُوفٌ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ	نگریده‌اند تا فرجام کسانی را که پیش از آنان بوده‌اند بنگرند و قطعاً سرای آخرت برای کسانی که پرهیزگاری کرده‌اند بهتر است آیا نمی‌اندیشید	ترجمه فولادوند	۵۵۶،۲	عبرت‌گیری
۵۵۷	وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُوْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرُّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ	و هیچ‌کس را نرسد که جز به اذن خدا ایمان بیاورد و [خدا] بر کسانی که نمی‌اندیشند پلیدی را قرار می‌دهد	قرآن کریم، سوره بونس آیه ۱۰۰، ترجمه فولادوند	۵۵۷	دوری از عیوب فردی و اجتماعی
۵۵۸	مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ تَجْوِيزَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيْلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ	خدا [چیزهای ممنوعی از قبیل] بحیره و سائبه و وصیله و حام قرار نداده است ولی کسانی که کفر ورزیدند بر خدا دروغ می‌بندند و بیشترشان تعقل نمی‌کنند	قرآن کریم، سوره مائده آیه ۱۰۳، ترجمه فولادوند	۵۵۸	بهره‌گیری از ظرفیت‌های عقلی
۵۵۹	هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِيَتَّبِعُوا آسَدَكُمْ ثُمَّ لِيَتَّكِفُوا شِيُوخًا وَيَمِئَكُمْ مَنْ يَتَوَقَّى مِنْ قَبْلُ وَلِيَتَّبِعُوا أَجْلاً مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ	او همان کسی است که شما را از خاکی آفرید سپس از نطفه‌ای آن‌گاه از علقه‌ای و بعد شما را [به صورت] کودکی برمی‌آورد تا به کمال قوت خود برسید و تا سالمند شوید و از میان شما کسی است که مرگ پیش‌رس می‌یابد و تا [بالاخره] به مدتی که مقرر است برسید و امید که در اندیشه فرو روید	قرآن کریم، سوره غافر آیه ۶۷، ترجمه فولادوند	۵۵۹	نشانه‌شناسی

در ساحت بینش، مضامین ناظر به شرایط لازم و حداقلی عقلانیت، عنوان «تمییزمحوری» گرفتند چراکه حداقل‌های اندیشه عاقلانه را مطرح می‌کردند و مضامین ناظر به شرایط و آرمانی عقلانیت، عنوان «توحیدگرایی» گرفتند به دلیل آنکه غایت عقلانیت اسلامی را در ساحت بینش نشان می‌دادند. در ساحت منش‌ها، مضامین ناظر به شرایط لازم و حداقلی عقلانیت، عنوان «اعتدال‌محوری» گرفتند چراکه حداقل‌های گرایش‌ها، امیال صفات و انگیزه‌های عاقلانه را مطرح می‌کردند و مضامین ناظر به شرایط و آرمانی عقلانیت، عنوان «تعالی‌گرایی» گرفتند که حاکی از علو انگیزه‌ها و تمایلات در تراز معاد و جهان آخرت و به تبع آن شکوفا شدن مکارم اخلاقی بود. در ساحت کنش‌ها نیز مضامین ناظر به شرایط لازم و حداقلی، عنوان «عدالت‌محوری» گرفتند چراکه حداقل‌های کنش عاقلانه را مطرح می‌کردند و مضامین ناظر به شرایط و آرمانی عقلانیت، عنوان «احسان‌گرایی» گرفتند به این دلیل که غایت عقلانیت اسلامی را که تجلی اندیشه توحیدی و مکارم اخلاقی در ساحت رفتار است نشان می‌دادند. نهایتاً شبکه مضامین عقلانیت اسلامی (جدول ۴) شکل گرفت.

جدول ۵. نظام مضامین عقلانیت اسلامی (منبع: داده‌های پژوهش)

مضامین کلیدی	مضامین یکپارچه‌کننده		مضامین کلان	مقوله
ارتباط با سن	زمینه			عقلانیت اسلامی
ارتباط با سلامت جسمانی				
ارتباط با سلامت روان				
ارتباط با فضای تربیتی				
ارتباط با قدرت هوش و حافظه				
ارتباط با قلب و حواس				
بهره‌گیری از ظرفیت‌های عقلی				
دوری از فقر و بیکاری				
روحانی بودن جوهر عقل				
دو نوع عقل: ذاتی و تجربی				
ارائه بهترین مسیر	تمییز محوری	اندیشه	ساحت‌ها	
بهره‌گیری از تجربه				
آموزندگی علم و معرفت				

مضامین کلیدی	مضامین یکپارچه کننده	مضامین کلان	مقوله
اظهارنظر صحیح، دقیق و عمیق	تمیز محوری	اندیشه	عقلانیت اسلامی
عبرت‌گیری			
تشخیص و فهم صحیح و دقیق			
تفکر، حکمت و ژرف‌اندیشی			
خودانعکاسی			
دشمن‌شناسی			
دوری از آرزوهای دراز			
زمان‌شناسی			
تدبیر و فرجام‌شناسی			
تناسب دانش با ظرفیت فهم			
هوشیاری و عدم فریفتگی و غفلت			
کنایه فهمی			
نشانه‌شناسی	توحیدگرایی	ساحت‌ها	
اخلاص			
ایمان و یقین			
توحیدنگری			
خودشناسی			
دوری از دنیاگرایی	اعتدال محوری	صفات	
معادگرایی			
حلم و صبر			
احتیاط			
عدم افراط و تفریط			
انتقادپذیری			
انصاف			
پاک‌دامنی			
مدیریت سخن			
پندپذیری			
مدیریت صحیح انگیزه‌ها و امیال			
دوری از خودبرتربینی			

مضامین کلیدی	مضامین یکپارچه کننده		مضامین کلان	مقوله
مدیریت نیازمندی‌ها و انتظارات	اعتدال محوری	صفات	ساحت‌ها	عقلانیت اسلامی
مدیریت هیجانات				
سهل‌گیری و رضایتمندی				
دوری از عیوب فردی و اجتماعی				
حیا				
دوری از خودشیفتگی	تعالی‌گرایی			
ظرفیت پذیرش مخالفت‌ها و ناملایمت‌ها				
فروتنی				
جوانمردی و فتوت				
گرایش به فضیلت	عدالت محوری	افعال		
پاکیزگی				
حسن معاشرت				
ارزیابی و اصلاح عمل				
امانت‌داری و عدم خیانت				
امربه معروف و نهی از منکر				
بهره‌گیری از تجربیات				
بهره‌مندی حلال				
عمل به حق				
رعایت استحقاق‌ها و دوری از ظلم				
دوری از بیهوده‌کاری				
سخن به حق				
شکرگزاری				
راست‌گویی				
رعایت آداب و حریم‌ها				
شکرگزاری				
مدیریت مراودات و مشاغل اجتماعی				
مشورت با صالحان و دوری از خودرأیی				

مضامین کلیدی	مضامین یکپارچه کننده	مضامین کلان	مقوله	
وفای به عهد	عدالت‌محوری	ساحت‌ها	عقلانیت اسلامی	
اظهار محبت	احسان‌گرایی			افعال
سخاوت				
گذشت و بخشش				
مواجهه اصلاحی با جاهل				
مواجهه غیرمستقیم با بدی‌ها				
تجاهل				
مدارا، نرمش و تسامح				
دین‌داری و بندگی خداوند		پیامد		
پویایی و نشاط				
حسن تدبیر معاش				
عدم تلازم ضروری با توسعه مادی				
جذابیت ظاهر و باطن				
سرمایه بودن عقل				
پایداری				
مکمل نبوت				
صدق				
ارزشمندی برحسب مراتب شکوفایی				
پیشروی در نیکی‌ها				
سنخیت با عاقلان و دوری از جاهلان				

در پژوهش حاضر، قصد نگارنده، فهم نظام عقلانیت از منظر آیات و روایات بود. آیات و روایات به صورت پراکنده و تک گزاره‌ای جنبه‌هایی از عقل یا ویژگی‌های انسان عاقل را بیان کرده‌اند و در هیچ یک از آموزه‌ها به صورت کامل، منطقی و نظام عقلانیت تشریح نگردیده است؛ بنابراین از آموزه‌های دینی استفهام شد که عقلانیت چیست و چه ابعاد و مؤلفه‌هایی دارد؟ از این رو لازم بود گزاره‌هایی که به صورت موردی و جزئی، ویژگی‌های مختلفی از عقل و عاقل را بیان کردند به مثابه یک پازل در کنار هم به نحوی معنادار قرار بگیرند که نظام مفهومی از عقلانیت شکل بگیرد به نحوی که رهنمودهای آن برای مدیریت دولتی قابل استفاده باشد. همان‌گونه که در

جدول ۵ نشان داده شده است، عقلانیت از منظر آموزه‌های وحیانی و کلام معصومان علیهم‌السلام، دارای سه بُعد عمده می‌باشد که عبارت‌اند از: زمینه‌های شکوفایی عقلانیت، ساحت‌های عقلانیت، و پیامدهای عقلانیت. زمینه‌های شکوفایی عقلانیت مشتمل بر مواردی است که شرط لازم برای تحقق عقلانیت هستند و فقدان یا نقصان در آن‌ها می‌تواند شکوفایی عقلانیت را مختل نماید. توضیح آنکه از منظر آموزه‌های اسلامی، اصل گوهری روحانی است که در نهاد انسان به صورت استعداد قرار داده شده است اما فعلیت یافتن آن منوط به عوامل مختلفی است؛ مثلاً یکی از عوامل اقتضائات سن فرد است. از سویی کیفیت گذران دوره کودکی در شکل‌گیری عقل تأثیر بسزایی داشته و از سوی دیگر سن جوانی که در روایات بازه‌ای از ۱۸ تا ۴۰ سالگی را شامل شده سن رشد عقل بوده که فرد در اوج استعداد عقلانیت قرار دارد. عامل دیگر سلامت جسمی، روانی و محیطی است که بر کیفیت شکوفایی تأثیر دارد چرا که محیط، مأخذ ادراکات انسان بوده و جسم (حواس ظاهری) و روان فرد نیز گیرنده و نگهدارنده این ادراکات هستند و ادراکات مواد اولیه تعقل انسان هستند و کیفیت تعقل انسان نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. عامل دیگر اراده فرد بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های عقلی خویش و شکوفا نمودن آن است که اگر اراده‌ای بر آن نداشته باشد عقلانیتش شکوفا نخواهد شد.

بُعد دیگر عقلانیت، ساحت‌های عقلانیت است که مشتمل بر سه ساحت اندیشه‌ها، صفات و افعال می‌باشد. در ساحت اندیشه‌ها عقلانیت بر محور تمیز یا فهم صحیح و دقیق است. اینکه فرد آگاهی از خود و دیگران، زمان و مکان، تمیز دوست از دشمن، درست از غلط، خوب‌تر از خوب و بد از بدتر و مقاصد و معانی کنایه‌ها و نشانه‌ها را داشته باشد. این تمیزمحوری از سویی مستلزم، تفکر و تعمق و حکمت اندیشی فرد و هوشیاری و عدم غفلت نسبت به تجارب خود و دیگران (عبرت‌گیری) بوده و از سوی دیگر موجب اظهار نظرات صحیح و دقیق و عمیق و ارائه بهترین مسیر حل مسائل است؛ اما تمیزمحوری صرف، شرط لازم عقلانیت اسلامی در ساحت اندیشه‌هاست و شرط کافی آن توحیدگرایی است بدین معنا که قدرت تمیز و تشخیص فرد در راستای خداشناسی، معادشناسی، نفس‌شناسی، دنیاشناسی، تکلیف‌شناسی و رسیدن به نگرش توحیدی و اخلاص است.

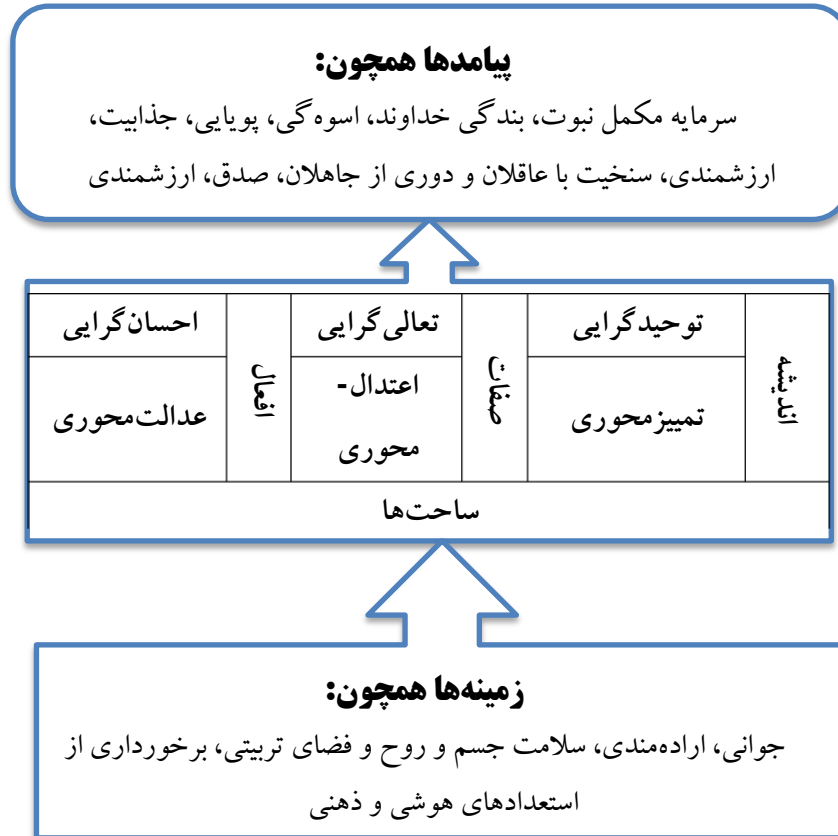
در ساحت صفات، عقلانیت بر محور اعتدال صفات و انگیزه‌هاست بدین معنا که فرد از سویی در صفات خویش دچار افراط و تفریط نباشد. مثلاً اینکه فرد نه عجول و نه خمود باشد بلکه محتاط

باشد؛ نه بخیل و نه مسرف باشد بلکه مقتصد باشد؛ نه خودشیفته و خودبرترین بوده و نه خود را ذلیل کند بلکه عزتمند و باوقار باشد و... از مهم مستلزم اراده بر مدیریت صحیح صفات و انگیزه‌ها و هیجانات خود است که موجب بروز صفاتی همچون انصاف، حلم و صبر، حیا و دوری از عیوب فردی و اجتماعی می‌گردد؛ اما اعتدال‌محوری صرف، شرط لازم عقلانیت اسلامی در ساحت صفات بوده و شرط کافی آن تعالی‌گرایی است بدین معنا که جهت‌گیری میل و انگیزه‌ها به سمت مکارم و فضیلت‌های اخلاق الهی است. این جهت‌گیری موجب بروز صفتی همچون فتوت و جوانمردی گردیده بدین معنی که فرد دارای ظرفیت نامحدودی برای پذیرش ناملایمات و مخالفت‌های نادرست در حق خود در کمال فروتنی و شرح صدر می‌شود.

در ساحت افعال، عقلانیت بر محور عدالت است بدین معنا که فرد، استحقاق‌ها، حدود و حریم‌ها را رعایت نماید. مثلاً در محیط زندگی خود نظم و انضباط داشته باشد؛ امانت‌دار بوده و خیانتکار نباشد؛ سخن خلاف حق، کذب یا بیهوده یا عمل خلاف حق یا بیهوده انجام ندهد؛ سپاسگزار محبت‌هایی که در حقش می‌شود؛ در عهد و وعده‌ها تخلف نکند؛ مشاغل و مراودات اجتماعی خود را به نحوی مدیریت کند که هیچ‌کدام ضایع نشود؛ در امور خود با صالحان مشورت کند و خودرأی نباشد و دائماً در پی ارزیابی و اصلاح عمل خود باشد و در یک کلام اهل امر به معروف و نهی از منکر در مواجهه با خود و دیگران باشد؛ اما عدالت‌محوری صرف، شرط لازم عقلانیت اسلامی در ساحت افعال بوده و شرط کافی آن احسان‌گرایی است. بدین معنا که اکتفا به چارچوب عدالت که رعایت استحقاق‌هاست ننموده و به سمت بخشش و ایثار و گذشت از حقوق خود در راستای اظهار محبت به دیگران حرکت نکند. احسان‌گرایی مستلزم مواجهه اصلاحی و غیرمستقیم با جاهلان در قالب نرمش و تسامح و تجاهل نسبت به رفتارهای نادرست آنان البته در مورد حقوق شخصی خود است.

بعد سوم عقلانیت، پیامدهای شکوفایی آن است. عقلانیت شکوفا شده ملازم با صدق است یعنی یکپارچگی اندیشه، صفات و گفتار به نحوی که هر جزء اجزای دیگر را تأیید کند که اولاً موجب سنخیت با عاقلان و دوری از جهالت و جاهلان شده و ثانیاً موجب جذابیت و اسوگی فرد در منظر دیگران می‌گردد. عقلانیت موجب پویایی و نشاط در زندگی و پایداری در برابر مسائل و مشکلات و تدبیر نیکوی معاش می‌گردد. البته لازم به ذکر است اگرچه عقلانیت مقتضی توسعه مادی و معنوی زندگی است اما مرور روایات و سیره معصومان علیهم‌السلام که دارای بالاترین

مراتب عقلانیت بوده‌اند نشان می‌دهد که عقلانیت ضرورتاً ملازم توسعه مادی زندگی نیست. نمونه بارز این مطلب در سیره امیرالمؤمنین علیه‌السلام قابل مشاهده است؛ بدین گونه که ایشان در عین ثروت آفرینی و ایجاد توسعه مادی برای جامعه، در زندگی شخصی خود توسعه مادی ایجاد نمودند. در نهایت، عقلانیت شکوفاشده سرمایه‌ای است که مکمل آموزه‌های وحیانی و نبوت است و موجب پیشروی در نیکی‌ها و در نهایت رسیدن به مقام بندگی خداوند می‌شود. حاصل آنکه بنا به استفهام نگارنده، پاسخ آموزه‌های دینی به سؤال پژوهش آن بود که عقلانیت به صورت کلی دارای زمینه‌ها، ساحت‌ها (اندیشه، انگیزه، رفتار) و پیامدهاست. در هر یک از ساحت‌ها، عقلانیت دارای یک محور (حداقل‌ها) و یک جهت (غایت) است. عقلانیت در ساحت اندیشه یعنی تمییزمحوری توحیدگرا، در ساحت انگیزه‌ها یعنی اعتدال‌محوری تعالی‌گرا و در ساحت کنش‌ها یعنی عدالت‌محوری احسان‌گرا. در تصویر ۱ چارچوب عقلانیت اسلامی نشان داده شده است.



شکل ۱. چارچوب مفهومی عقلانیت اسلامی

پس از شکل‌گیری چارچوب مفهومی و شبکه مضامین عقلانیت اسلامی، به توضیح، تفسیر و تبیین شبکه مضامین پرداخته شد که در این راستا با تحلیل و ترکیب و تفسیر مضامین کلیدی، تعدادی گزاره ذیل هریک از دسته مضامین کلان صورت‌بندی گردید که سهم‌یاری‌های عقلانیت اسلامی را برای مدیریت دولتی شکل می‌دهند و در ادامه ارائه می‌گردد.

۱. زمینه‌های شکل‌گیری و شکوفایی عقلانیت اسلامی:

۱.۱. از جمله زمینه‌های تحقق عقلانیت اسلامی، جوان بودن و سن جوانی^۱ است.

۱. در روایات مختلف سنین متفاوتی برای رشد عقلی ذکر شده همچون ۱۸ سالگی، ۲۸ سالگی، ۳۵ سالگی و ۴۰ سالگی. همچنین از ۴۰ سالگی ۵۰ و ۶۰ سالگی هم به ازدیاد عقل به‌واسطه بهره‌مندی از تجارب اشاره شده است.

۱,۲. از آنجا که عقلانیت اسلامی به طور کامل، ذاتی بینش‌ها، منش‌ها و کنش‌های انسان نیست و بخشی از آن در گرو اراده مبنی بر بهره‌گیری از عقل است، از این رو می‌بایست عقلانیت در هر سطح و هر موضوعی بنا بر ذاتیات (استعدادها) و تجربیات (توانمندی‌های) عقلی احراز شود.

۱,۳. سلامت جسمی و روانی از جمله زمینه‌های شکل‌گیری و پایداری عقلانیت اسلامی است.

۱,۴. وجود استعدادها و توانمندی‌های هوشی (انواع هوش‌ها) از جمله زمینه‌های شکل‌گیری و شکوفایی عقلانیت اسلامی است.

۱,۵. شکوفایی استعدادها و عقلی به شرط عدم وجود آسیب‌ها و موانع شکوفایی محقق می‌شود؛ بنابراین وجود آسیب‌ها و موانع عقلانیت اسلامی مانند فقر و نیازمندی (خصوصاً احساس فقر و نیازمندی) شدید از جمله زمینه‌های عدم عقلانیت است.

۲. ساحت‌های عقلانیت اسلامی:

۲,۱. اندیشه:

- مسئله‌شناسی صحیح و دقیق و ارائه بهترین مسیر حل مسئله.
- توسعه‌ی یادگیری و چارچوب‌های علمی و تجربی.
- توسعه چارچوب‌های ارزشی و معرفتی همچون خداشناسی، خودشناسی، زمان‌شناسی، دنیاشناسی و معادشناسی.
- هوشیاری و آگاهی نسبت آسیب‌های درونی و بیرونی و رصد و ارزیابی پیوسته.

۲,۲. صفات:

- حلم و صبر و استقامت در شرایط نامساعد بدین معنا که امید و عزم خود را در راستای دستیابی به مقصود، تحت تأثیر شرایط از دست ندهد.
- شرح صدر و وقار در مواضع تصمیم‌گیری و دوری از عجله و بیتابی از یک سو و خمود و سستی از سوی دیگر.
- انصاف، و فروتنی در برابر حق که موجب پذیرش انتقادات و پندها و اندرزهاست به نحوی که نه کاملاً مبتنی بر قضاوت دیگران بوده و نه به کلی بی‌اعتنای به آن است.
- مدیریت صحیح صفات و انگیزه‌های نفسانی به نحوی که دچار افراط و تفریط نگردند.

- تساهل و تسامح در کارها که حد واسط میان بی‌خیالی و سخت‌گیری است.
- میل به امور اصیل و باقی همچون مکارم اخلاقی و انگیزه‌های متعالی و مبتنی بر معاد (همچون گذشت و ایثار، رحم، فتوت و...).

۲,۳. افعال:

- رعایت استحقاق‌ها و ادای حقوق ذی‌حقان و انجام درست و به موقع کارهای درست و قرار دادن هر چیز در جای خویش.
- حياء و دوری از عیوب فردی و اجتماعی و ارزیابی و اصلاح خطاها.
- نظم و انضباط و رعایت آداب و حریم‌های شرعی و منطقی.
- بهره‌گیری از تجربیات و عمل (اعم از سخن و کنش) بر اساس حجیت (شرعی یا منطقی) و متناسب با مخاطب.
- محبت و سخاوت به معنای عمل فراتر از چارچوب‌های عدالت.
- مدارا با مردم (اعم از دوست یا رقیب) و مواجهه مشفقانه با جاهلان.

۳. پیامدها:

- ۳,۱. عقلانیت اسلامی سرمایه‌ای است که در کنار نبوت، زمینه‌ساز دین‌داری و بندگی خداوند (در ساحت‌های سه‌گانه) را برای فرد و جامعه فراهم می‌نماید.
- ۳,۲. عقلانیت اسلامی موجب پویایی و پیشرو بودن فرد و جامعه در توسعه معنویت (بیشی، منشی و کشی) می‌گردد لکن الزاماً با توسعه مادی ملازم ندارد.
- ۳,۳. عقلانیت اسلامی موجب جذابیت و اسوه‌گی شخصیت فرد و اجتماع برای دیگران می‌شود.
- ۳,۴. بهره‌مندی از عقلانیت اسلامی امری سلسله‌مراتبی بوده و میزان آن، ملاک ارزشمندی فرد و اجتماع است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش به دنبال فهم سهم‌یاری‌های عقلانیت اسلامی در مدیریت دولتی بود. از این‌رو سؤال اصلی پژوهش آن بود که عقلانیتی که کلام وحی و ائمه هدی علیهم‌السلام بر آن تأکید داشتند چه سهم‌یاری‌هایی برای مدیریت دولتی دارد؟ در پاسخ به این سؤال، آیات قرآن کریم و روایات

معصومان علیهم السلام در حوزه عقل و عقلانیت تحلیل مضمون گردیدند تا اینکه چارچوب مفهومی عقلانیت اسلامی صورت‌بندی گردید که مشتمل بر سه بُعد: زمینه‌ها، ساحت‌ها و پیامدها بود. عقلانیت اسلامی در ابتدا نیازمند زمینه‌هایی همچون جوانی، سلامت جسم، دارا بودن توانمندی‌ها و بهره‌های هوشی، اراده و خواست نسبت به بهره‌مندی از عقل و رفع موانع و آسیب‌های شکوفایی عقلانیت است. همچنین عقلانیت در سه ساحت تحلیل گردید. مضامین مرتبط با ساحت‌های عقلانیت نیز خود به سه بخش اندیشه و نگرش صفات و گرایش‌ها؛ و اعمال و رفتار طبقه‌بندی گردیدند که هر یک از این ساحت‌ها نیز خود دارای دو دسته مضمون گردیدند که یک دسته ناظر به شرایط لازم و حداقلی و دسته دیگر ناظر به شرایط و آرمانی عقلانیت اسلامی بود. در نهایت نیز نتایج و پیامدهای حاصل از تحقق عقلانیت اسلامی مطرح گردید. سپس با تحلیل و تفسیر چارچوب مفهومی عقلانیت اسلامی از منظر آیات و روایات معصومان علیهم السلام سهم یاری‌های این چارچوب در مدیریت دولتی مطرح شد.

حاصل آنکه دولت عاقل از منظر اسلامی، دولتی است که هوش، تخصص و تعهد ارزشی کافی برای شناسایی و رسیدگی به مسائل جامعه را داراست چراکه خود و جامعه را به خوبی (صحیح، دقیق و بهنگام) می‌تواند بشناسد. در رسیدگی به مسائل و تعامل با جامعه اولاً جانب اعتدال را محور قرار داده و انگیزه‌های متعالی (بسط مکارم اخلاقی در جامعه) دارد و ثانیاً با حفظ اعتدال منش و صفات جامعه، انگیزه‌های آن را به سمت تعالی جهت‌دهی می‌نماید. در دولت عاقل، انسان‌های شایسته در مناصب شایسته قرار گرفته و هر کدام در جایگاه خود، تجلی‌بخش ارزش‌ها و نگرش‌های دولت مبتنی بر عقلانیت اسلامی هستند. از این رو عملکرد دولت، عادلانه (مراوده‌ای، رویه‌ای و توزیعی) بوده و حتی فراتر از آن مایل به بسط احسان و محبت نسبت به مردم است. افزون بر این، مشخص گردید که بهره‌مندی از عقلانیت اسلامی امری سلسله‌مراتبی بوده و میزان آن، ملاک ارزشمندی فرد و اجتماع است. بدین صورت که هر چه بر مرتبه عقلانیت اسلامی افزوده شود هر کس و هر چیز در جایگاه خود قرار گرفته، اهداف، وظایف و حقوق خود را شناخته و در مسیر سعادت‌مندی خود و جامعه حرکت می‌نماید بدون آنکه عامل تراحم و تعارض با دیگری گردد. هر چه بر عقلانیت اسلامی افزوده گردد، نیازمندی نسبت به جایگزین‌های اعتباری عقلانیت همچون، ساختارها، قوانین و مقررات، فرآیندهای مدیریتی و ... کاهش پیدا می‌کند؛ چراکه هر کس در جایگاه شایسته خود قرار گرفته و آنچه را که شایسته و بایسته است تشخیص و انجام می‌دهد.

می‌توان گفت مهم‌ترین معیار برای عقلانیت اسلامی، نگرش حق‌مدارانه به پدیده‌ها و مسائل جامعه است؛ بدین معنا که ارزشمندی هر چیز به قدر و اندازه‌ی نسبتی است که با حق و امور حقیقی عالم هستی پیدا می‌کند؛ لذا اعتبارات اجتماعی در صورتی که صرفاً جنبه ابزاری و کارکردی و رفع نیازهای حقیقی انسان باشد از منظر عقلانیت اسلامی ارزشمند است والا در صورتی که عامل ارزش و اعتبار حقیقی پنداشته می‌شود از منظر عقلانیت اسلامی از حیث ارزشمندی ساقط است.

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد عقلانیت اسلامی سرمایه‌ای است که در کنار نبوت، زمینه‌ساز دین‌داری و بندگی خداوند (در ساحت‌های سه‌گانه) را برای فرد و جامعه فراهم می‌نماید؛ بنابراین عقلانیت اسلامی، یک سرمایه حقیقی برای دولت و منشأ سایر سرمایه‌های آن همچون سرمایه معنوی، روان‌شناختی، اجتماعی، انسانی و مادی خواهد بود. چراکه زمینه‌ساز پیوند عمیق سازوکارها و فرآیندهای مدیریتی دولت با آموزه‌های وحیانی است.

از سویی دیگر بیان شد که عقلانیت اسلامی موجب پویایی و پیشرو بودن فرد و جامعه در توسعه معنویت (بینشی، منشی و کنشی) گردیده و موجب تعالی دولت در مسیر بندگی خداوند (در ساحت‌های سه‌گانه) و ترویج و توسعه بندگی در جامعه (در ساحت‌های سه‌گانه) است که معیار اصلی قضاوت در مورد عقلانیت اسلامی دولت است. لازم به یادآوری است که اگرچه توسعه بندگی اگرچه مخالف با توسعه مادی و رفاهی نبوده ولی الزاماً ملازم با آن نیست؛ بلکه الزاماً با توسعه خیر و برکت و بهره‌مندی سعادتمندانه از مواهب الهی بوده که شاخص آن، رضایت و آرامش در جامعه است.

همچنین اشاره شد که عقلانیت اسلامی موجب جذابیت و اسوه‌گی شخصیت فرد و اجتماع برای دیگران می‌شود. از این رو عقلانیت اسلامی زمینه‌ساز محبوبیت دولت در قلوب افراد جامعه است؛ از این رو به تناسب بهره‌مندی از عقلانیت اسلامی میزان جذابیت و اسوه‌گی دولت برای سایر دولت‌ها و جامعه برای سایر جوامع افزایش می‌یابد؛ بنابراین محبوبیت و جذابیت عقلانیت اسلامی پایه و منبع قدرت و اقتدار برای دولت و جامعه می‌گردد.

در انتها قبل از ارائه پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی لازم به ذکر است که چارچوب عقلانیت حاصل شده در این پژوهش، قابلیت استفاده در همه رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی را دارا می‌باشد و از این رو می‌تواند پژوهش‌های آتی در سایر رشته‌های مذکور از این چارچوب برای دلالت پژوهی در حوزه‌های تخصصی مربوطه بهره‌گیرد؛ اما برای پژوهش‌های بعدی در حوزه

مدیریت دولتی و در ادامه مسیر این پژوهش پیشنهاد می‌گردد که اولاً با توجه شبکه مضامین حاصل شده از تحلیل آیات و روایات سعی شود تا سهم‌یاری‌های بیشتری برای مدیریت دولتی احصاء گردد و ثانیاً سهم‌یاری‌های احصاء شده در هریک از زیربخش‌های مدیریت دولتی دلالت‌یابی شود.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی عقلانیت*، قیسات، س ۱، ش ۱: ۵۴-۳۹.
- ابن فارس، ابی‌الحسین بن فارس رازی (۱۳۸۹ ق). *معجم مقایس اللغه*، قم، دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، ابی‌الفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم بن منظور مصری (۱۴۱۰ ق). *لسان العرب*، قم، نشر ادب حوزه.
- الجوهری، ابی نصر اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ ق)، *الصحاح (تاج اللغه و صحاح العربیه)*، بیروت، دارالعلم الملايين.
- بختیار نصرآبادی، حسنعلی؛ حیدری، محمدحسین و بهروان، حمیدرضا (۱۳۹۰)، نسبت عقلانیت انتقادی با اخلاق اجتماعی، *راهبرد*، س ۲۰، ش ۵۹: ۱۶۵-۱۳۹.
- تورانی، حیدر (۱۳۸۷)، بررسی نقش عقلانیت قرآنی در سلامت تصمیمات مدیران و ارائه یک الگوی مفهومی. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، س ۲، ش ۲: ۱۴۸-۱۲۱.
- حسنی نیک، محمدعلی و مختاریان‌پور، مجید (۱۳۹۷)، *عقلانیت مدیریت جهادی، مدیریت اسلامی*، ش ۴: ۱۰۶-۷۹.
- خزایی، احمدرضا (۱۳۹۳)، جایگاه عقلانیت در مدیریت فرهنگی از نگاه اسلام، *پژوهشنامه قرآن و حدیث*، س ۷، ش ۱۴: ۱۷۶-۱۵۷.
- خیری، بهرام (۱۳۷۷)، *بررسی تئوریک عقلانیت در مدیریت دینی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- دانایی‌فرد، حسن (الف) (۱۳۹۵)، *چالش‌های مدیریت دولتی در ایران*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- دانایی‌فرد، حسن (ب) (۱۳۹۵)، *نهیض‌های مدیریتی در بخش دولتی (گذشته، حال و آینده)*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- دانایی‌فرد، حسن؛ تقفی، عمادالدین و مشبکی اصفهانی، اصغر (۱۳۸۹)، اجرای خط‌مشی عمومی: بررسی نقش عقلانیت در مرحله تدوین خط‌مشی، *مدرس علوم انسانی-پژوهش‌های مدیریت در ایران*، س ۱۴، ش ۴: ۷۹-۱۰۶.

- دانایی‌فرد، حسن و مظفری، زینب (۱۳۸۷)، ارتقاء روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی، پژوهش‌های مدیریت، س ۱، ش ۱: ۱۶۲-۱۳۱.
- دانگ، لی‌شنگ (۱۳۹۷)، نظریه‌های اداره عمومی: عقلانیت ابزاری و ارزشی، ترجمه حسن دانایی‌فرد، تهران، نشر مهربان.
- درخشه، جلال و موسوی‌نیا، مهدی (۱۳۹۷)، کارکرد نظریه عقلانیت سیاسی در انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر اندیشه و عمل حکومتی امام خمینی، اندیشه سیاسی در اسلام، ش ۱۳: ۱۵۰-۱۲۷.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱)، لغت‌نامه دهخدا، ج ۳، تهران، نشر افست گلشن.
- دهقان طرزجانی، علی (۱۳۹۶)، دلالت‌های عقلانیت قرآنی در خط‌مشی‌گذاری عمومی، رساله دکتری. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- راغب اصفهانی، حسین ابن محمد (۱۳۷۳)، مفردات الفاظ القرآن، تهران، مرتضوی.
- رحیمی، احسان و حسینی، فردین (۱۳۹۸)، تحلیل ابعاد و مؤلفه‌های عقلانیت مبتنی بر روایات معصومان علیهم‌السلام. اسلام و علوم اجتماعی، س ۱۱، ش ۲۱: ۸۸-۶۹.
- رحیمی، احسان؛ زارعی‌متین، حسن و پرکان، حسین (۱۳۹۷)، تبیین مفهوم عقل و عقل‌ورزی از منظر روایات به‌عنوان مبنایی برای سرمایه‌های سازمان (انسانی، اجتماعی، روان‌شناختی، معنوی)، مدیریت سرمایه اجتماعی، س ۵، ش ۴: ۶۰۳-۵۷۹.
- شیخ‌زاده، محمد و بنی‌اسد، رضا (۱۴۰۰)، تحلیل مضمون: مفاهیم، رویکردها و کاربردها. تهران: لوگوس.
- رهبر، احسان (۱۳۹۱)، مفهوم‌پردازی سازمان‌های ایمان‌محور و بررسی نقش آن‌ها در توسعه خدمات اجتماعی: تبیین نقش عقلانیت هنجاری، اسلام و مدیریت، سال ۱، ش ۱: ۱۰۴-۷۹.
- طباطبایی، امیر؛ پرخیده، حسنی؛ مرتضوی، حامد و طباطبایی‌چهر، محبوبه (۱۳۹۲)، راهبردهایی برای ارتقاء دقت علمی در تحقیقات کیفی، علوم پزشکی خراسان، س ۳، ش ۵: ۶۷۰-۶۶۳.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، س ۵، ش ۲: ۱۹۸-۱۵۱.
- فرازمند، علی (۱۳۹۰)، مدیریت دولتی در عصر امپراطوری جهانی هخامنشیان، ویراسته ابوالحسن فقیهی و حسن دانایی‌فرد، تهران، انتشارات امام صادق (ع).
- فروزنده، لطف‌الله (۱۳۹۰)، عقلانیت و جایگاه آن در سیاست‌گذاری، کیهان فرهنگی، ش ۲۹۴ و ۲۹۵: ۳۰-۲۲.
- فیروزآبادی شیرازی، مجدالدین محمد بن یعقوب (۱۳۶۲)، قاموس المحيط، بیروت، دارالفکر.
- قرشی، علی‌اکبر (۱۳۶۴)، قاموس قرآن، ج ۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کرمانی، سعید (۱۳۹۱)، معناشناسی عقل در قرآن کریم با تکیه بر نظریه حوزه‌های معنایی، تهران، دانشگاه امام

صادق (ع).

محمدپور، احمد (۱۳۸۸)، ارزیابی کیفیت در تحقیق کیفی: اصول و راهبردهای اعتباریابی و تعمیم‌پذیری، علوم اجتماعی، ش ۴۸: ۱۰۶-۷۵.

محمدپور، احمد (۱۳۹۷)، روش در روش: درباره ساخت معرفت در علوم انسانی، قم، لوگوس.
منصورنژاد، محمد (۱۳۸۳)، عقل در سه دین بزرگ آسمانی: زرتشت، مسیحیت و اسلام، سیری در تعاریف و سابقه مفهوم عقل و ارتباط آن با ادیان، تهران، جوان پویا.

منطقی، محسن (۱۳۹۵)، ابزارهای شناخت در مدیریت اسلامی، عیار پژوهش در علوم انسانی، س ۷، ش ۱: ۸۲-۶۷.
میزان الحکمه، ترجمه محمد محمدی ری‌شهری. نسخه آنلاین، <http://lib.eshea.ir/5/1/27307>
نقی پورفر، ولی‌الله (۱۳۹۰)، مبانی و بسترهای تفکر و تعقل خلاق از دیدگاه اسلام، چشم‌انداز مدیریت دولتی، ش ۵: ۳۲-۹.

نقی پورفر، ولی‌الله و موسوی مقدم، محمد (۱۳۹۵)، گزینش مدیران و کارکنان از منظر اسلام با رویکرد به مؤلفه عقلانیت الهی به‌عنوان کلان شاخص شایسته‌سالاری، مدیریت فرهنگ سازمانی، س ۱۴، ش ۱: ۲۲۶-۲۰۳.
نیسی، عبدالحسین؛ آذر، عادل؛ مقبل با عرض، عباس و نقی پورفر، ولی‌الله (۱۳۹۶)، طراحی الگوی چند سطحی عقلانیت در سازمان با رویکرد اسلامی، مدیریت اسلامی، س ۲۵، ش ۴: ۶۳-۴۱.

وحیدی‌منش، حمزه علی (۱۳۹۴)، دموکراسی و عقلانیت اسلامی، معرفت سیاسی، س ۷، ش ۲: ۴۴-۲۵.

Beed, C., Beed, C., (1999), A Christian perspective on neoclassical rational choice theory, *International Journal of Social Economics*, 26 (4): 501-520.

Bolis, I., Morioka, S. N., & Szelwar, L. I. (2017), Are we making decisions in a sustainable way? A comprehensive literature review about rationalities for sustainable development, *Journal of Cleaner Production*, 145: 310-322.

Bourgan, J. (2011), *A New Synthesis of public Administration: Servicing in The 21st century*, Canada, McGill-Queen's University Press.

Craske, j., Loschmann, j. (2018). *On Rationality*. <https://doi.org/10.1177/1478929918771455>

Denhardt, R. & J. Denhardt (۲۰۰۰), The New Public Service: Serving Rather than Steering, *Public administration Review*, 60 (6): 549-559.

de Oliveira Fornasier, M. and Franklin, S. (2019), Governance, rational choice and new public management (npm): a general view (and some critics). *Revista Brasileira de Estudos Políticos*. 119 (2), pp. 327-362. <https://doi.org/10.9732/P.0034-7191.2019V119P327>

Dimock. M. E. (۱۹۳۶). *The Meaning and Scope of Public Administration in John M. Gaus et al. (Eds)*, Chicago, University of Chicago Press.

Fox, C. (2002), *What Do We Mean When We Saa "Rationality" in Public Affairs?*, New York, Macmillan.

Formal Rationality as Ideal; 2 The Textbook Approach to Management.

Gulick, L. (1937), *Notes on the Theory of Organization, in L. Gulick & L. L'rick (Eds.), Papers on the Science of Administration*, New York, Institute of Public Administration.

- Habermas, J. (1984), **The theory of communicative action**, volII, Boston, Beacon.
- Hood, C. (1991), A public Administration for All Seasons?, **public Administration**, 69(1): 3-19.
- Kalberg, S. (1980), Max Weber's types of rationality: Cornerstones for the analysis of rationalization processes in history, **American Journal of Sociology**, 85(5): 1145-1179.
- King, N. and Horrocks, C. (2010), **Interviews in qualitative research**. Thousand Oaks, CA, US: SAGE Publications.
- Knauff, M, Spohn, W. (2021), **The Handbook of Rationality**. Cambridge, MA: MIT Press.
- Moore, M. H. (1995), **Creating Public Value: Strategic Management in Government**. Cambridge, Harvard University Press.
- Olmez, A. E. Sumer, H. C., and Soysal, M. (2004), Organizational Rationality in Public, Private and Multinational Firms in Turkey, **Information Knowledge System Management**, 4(2): 107-118.
- Ostrom, V. (1971), Public Choice: A Different Approach to The Study of Public Administration, **Public Administration Review**, 31(2): 203-216.
- Rescher, N.(1988), **Rationality: A Philosophical Inquiry into the Nature and the Rationale of Reason**, Oxford, Clarendon Press.
- Rutgers, M. R. (1999), Be Rational! But What it Means?, **Journal of Management History**, 5(1): 17-35.
- Ryan, N. (1999), Rationality and Implementation Analysis, **Journal of Management History**, 5(1): 36-52.
- Saunders, M., Lewis, P., Thornhill,A. (2009), **Research Methods for Business Students.5^{eds}**, Harlow, Pearson Education.
- Sarker M.N.I. (2019), Instrumentally Rationalizing Public Administration. In: Farazmand A. (eds) **Global Encyclopedia of Public Administration, Public Policy, and Governance**. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-319-31816-5_3861-1
- Shafraan, j., Jones, B. D., Dye, C. (2020), **Bounded Rationality in Public Administration**. <https://doi.org/10.1093/acrefore/9780190228637.013.1460>
- Shakun, M. F. (2006), Spiritual Rationality: Integrating Faith-Based and Secular Based Problem Solving and Negotiation as System Design for Right Action, **Group Decision and Negotiation**, 15(1): 1-19.
- Simon, H. A. (1957), **Administrative Behavior**, New York, Macmillan.
- Sinkovics, R. R. (2008), Enhancing the Trustworthiness of Qualitative Research in International Business, **MIR**, 48(6): 689-714.
- Snellen, I. (2002), Conciliation of Rationalities: The Essence of Public Administration, **Administrative Theory and Praxis**, 24(2): 232-346.
- Snyder, P. Hall, M. Robertson, J. Jasinski, T. Miller, J. S. (2006), Ethical Rationality: A strategic Approach to Organizational Crisis, **Journal of Business Ethics**, 63(4): 371-383.
- Taylor, F.w. (1911), **The Principles of Scientific Management**, New York, Harper and Brothers.
- Tenbansel, T. (2002), Assessing the Relative Merits of Policy Commitment: is it Possible for Plicy Makers to Use Rich Language of Rationality?, **Administrative Theory and Praxis**, 24(2): 299-322.
- Tomer, J. (2008), Beyond the rationality of economic man, toward the true rationality of human man, **The Journal of Socio-Economics**, 37(5): 1703-1712.
- Twining, J. (2000), **A Naturalistic Journey into the Collaboratory: In Search of Understanding for Prospective Participants**, Denton, Texas Woman's University.
- Ventriss, C. (2002), The Need and Relevance for Public Rationality: Some Critical Reflection,

Administrative Theory and Praxis, 24(2): 287-298.

Waldo, D. (1955), **The study of Public Administration(11ed.)**, New Yourk, Random House.

Weber, M. (1947), **Economy and society**, NewYork, Bedminster.

Weber, M. (1968), **The Theory of Social and Economic Organization**, London, Macmillan.

White, L. D. (1948), **Introduction to Public Administration**, New York ,Macmillan.

Wilson, W. (1887), The Study of Public Administration **Political Science Quarterly**, 2(2):

22-197.



تبيين إطار العقلانية قائمة على التعاليم الإسلامية ومساهماتها في الإدارة الدولية

إحسان الرحيمي * حسن الزارعى المتين ** عبد الله التوكلى *** حميد رضا اليزداني ****

الأنظمة السياسية التي انفذت حكومتها بألة تسمى الدولة اتخذت نهجا واستراتيجية في إدارة الشؤون العامة لبلدها يبتنى على نظريات راجعة الى العقلانية. الموضوع الرئيسى لهذا البحث هو العثور على نهج الإسلام (آيات القرآن الكريم و روايات المعصومين ع) إلى العقلانية و مساهماتها فى إدارة الدولية الإسلامية. هذا البحث من النوع الكيفى واستراتيجيته هى تحليل المحتوى ، حيث يتم من خلاله مع الرجوع إلى المصادر الموثوقة والبحث عن كلمة العقل ومشتقاتها ومرادفاتها ، تحليل محتوى الآيات والروايات المختارة باستخدام نموذج "الكينك و الهوركس" حتى تم تشكيل الشبكة النهائية للمضامين. وعلى هذا الاساس ، فإن العقلانية الإسلامية لها ثلاثة أبعاد رئيسية: الارضيات والآثار ومجالات العقلانية ، بما فى ذلك المجالات الثلاثة "الأفكار والرؤى والمواقف" و "الميول والدوافع والرويات" و "الأفعال والسلوكيات". فى مجال الفكر ، سميت الموضوعات المتعلقة بالشروط الضرورية و الالوية للعقلانية "تميزية" و الموضوعات المتعلقة بالظروف المثالية والآمالية للعقلانية سميت "التوحيدية". أيضاً فى مجال الصفات ، كانت الموضوعات المتعلقة بالشروط الضرورية والاولية تسمى "الاعتدالية" والموضوعات المتعلقة بالظروف المثالية والآمالية للعقلانية تسمى "المتعالية". فى مجال الأعمال ، كانت الموضوعات المتعلقة بالظروف الضرورية والاولية تسمى "التمحور على العدالة" والموضوعات المتعلقة بالظروف المثالية والآمالية للعقلانية تسمى "الإحسانية". أخيراً ، من خلال تحليل شبكة المضامين الناتجة ، تم عرض مساهمات العقلانية الإسلامية للإدارة الدولية فى الأبعاد المذكورة.

الكلمات الرئيسية: العقلانية الإسلامية ، الإدارة الدولية، الإدارة العامة ، الإدارة الإسلامية.

* الكاتب المسؤول: طالب دكتوراه فى الإدارة العامة ، تخصص صنع القرار والسياسة العامة ، قسم الفارابى ، جامعة طهران ، القم ،

الإيران.

** أستاذ بكلية الإدارة والمحاسبة ، قسم الفارابى ، جامعة طهران.

*** أستاذ مشارك ، مركز بحوث الحوزة و الجامعة ، القم.

**** أستاذ مساعد ، كلية الإدارة والمحاسبة ، قسم الفارابى ، جامعة طهران